



تک شماره ۱۵ ریال

۱۵ خرداد، روز تجلی اراده مردم ایران

برضد امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، صهیونیسم و ارتجاع با شکوه فراوان برگزار شد

مواسم ۱۵ خرداد، بزرگترین تظاهر ضد امپریالیستی پس از سرنگونی رژیم شاه مخلوع بود

خود از شور و آگاهی انقلابی مردم خبر میدهند و از آن نیروی عظیم، که آماده دردم کوبیدن ارتجاع و امپریالیسم است. یکی از خیرنگاران «مردم» می نویسد: «من از دروازه‌ها همراه صف طولی مردان و زنان رنج دیده، حرکت کردم. دروازه‌ها در زمان شاه مخلوع، مظهر بقیه در صفحه ۳

گرامی داشت و عزم خود را برای ریشه کن کردن سلطه امپریالیسم، بسر کردگی امپریالیسم آمریکا، در میهن ما، زیر رهبری امام خمینی اعلام کرد. خیرنگاران و گزارشگران «مردم» که از ۸ نقطه همراه صفوف بهمنشده مردم راه پیمائی کرده‌اند، در اخبار و گزارش‌های

صهیونیسم و ارتجاع به گوش جهانیان رسید. ۱۶ سال پیش، روزیانی در خرداد ۱۳۴۲، میدان توپخانه یکی از کشتارگاههای شاه جانی بود. امسال، خلق قهرمان ایران، که رژیم خونخوار آریامهری را سرنگون کرده، در چنین روزی، یاد شهدای پانزدهم خرداد را

توپخانه، باردیکر درخشم و خروش ملیونی توده‌ها بیدار شد و میدان قدیمی، که ۱۶ سال پیش جلادان شاه مخلوع در آن خون هزاران رزمنده را بر بستر داغ خیابان ریخته بودند تا رژیم را نجات دهند، به ستاد نبردی تبدیل شد که از آن فریاد طوفانی خلق علیه امپریالیسم و



گوشه‌ای از تظاهرات توده‌ها به مناسبت سالروز ۱۵ خرداد

امام خمینی زحمتکشان را صاحب انقلاب دانست

چیست. ببینید زندگی این کشاورز چیست. برای اینها فکر کنید. امام در دنباله سخنان خود طبقات پائین اجتماع را صاحب حقوق بشر دانست و گفت: «آنها که دلشان برای مستمندان، و برای بشر میسوزد، همین زن‌های اطراف شهر قم و زن‌های جنوب تهران و زن‌های جنوب همه شهرستان‌ها بودند، جنوب به آن معنا که شما می‌گوئید. از طبقه بقیه در صفحه ۴

«شما مثل قشر زحمتکش قیام‌کننده ایران حقوق بشر را اجرا کنید، زیرا اینها جمعیت حقوق بشر هستند...» این کارگراها، این دهقانها جمعیت حقوق بشر و حقوقدان هستند، اینها عمل می‌کنند و شما فقط می‌نویسید. می‌گوئید و میخواهید نهضت را منحرف کنید.» امام افزود: «ببینید زندگی این طبقه کارگر چگونه است. ببینید زندگی این کاسب

امام خمینی دریایی که به مناسبت پانزدهم خرداد فرستاد، زحمتکشان را صاحب انقلاب ایران دانست و از همه گروههای اجتماع خواست که باهم متحد شوند. امام خمینی در بخشی از سخنان خود گفت: «هرچه هست این قشر پائین است. این قشر کارگر، این قشر کشاورز، این قشر تاجر مسلم و کاسب مسلم است. این روحانی متعهد است، هرچه هست از این قشر است.» امام در بخش دیگری از سخنان خود از حقوقدانان و جمعیت حقوق بشر ایران خواست که دنبال حقوقدانان غربی نروند و گفت:

رویدادهای ایران

- ۱- خلیج فارس در واقع هم خلیج امریکا بود
 - ۲- ادامه کار دادگاههای انقلاب چرا باید مختل شود؟
 - ۳- یکبار دیگر مشت جاعلین تاریخ حزب توده ایران باز شد. مشروح خبرها در صفحه ۲
- مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران
فلا هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود
نشانی:
خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۷، تلفن: ۹۳۵۷۲۸ و ۹۳۳۴۵۹

جبهه‌ها آشکار تر میشود!

× در افق سیاسی ایران، همراه با لایه بندی‌های جدید اجتماعی، دو خط مشی مشخصی سرعت شکل روشنتری می‌گیرد و در عین حال مبارزه و مقابله این دو مشی تشدید میشود. یکی از این دو مشی، که ما آنرا دموکراتیسم انقلابی می‌نامیم، مبارزه با امپریالیسم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا را هدف اصلی خود قرار داده و با تقییب عمل امپریالیسم و ارتجاع، از طریق کمیته‌ها و پاسداران و محاکمه‌اشان در دادگاههای انقلاب، قصد ریشه کن کردن امپریالیسم را دارد، تا از این طریق بتواند جامعه‌ای را بنا کند که در آن نقش اساسی برعهده توده‌ها، یا به بیان امام خمینی مستضعفین باشد. چنانکه دیده میشود، امام خمینی بطور کلی منعکس کننده این خط مشی است. خط مشی دوم، که همان مشی سیاسی بورژوازی لیبرال است، تظاهرات آزادی‌های دموکراتیک را محور مبارزه خود قرار داده ولی در واقع قصد احیاء سرمایه‌داری وابسته را در ایران دارد. بورژوازی لیبرال، از آن رو در مبارزه علیه رژیم شاه شرکت کرد که الیگارشی خانواده پهلوی و اطرافیانش، با آن آمیختگی وسیعی با امپریالیسم، که در استبداد بسیار خشن منعکس میشد، راه را بر فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی بورژوازی لیبرال نیز بسته بود. بعد از پیروزی انقلاب، بورژوازی لیبرال، که تا لحظه انقلاب متحد صفوف خلق بود، انقلاب را پایان یافته تلقی کرد و تلاش را برای در دست گرفتن قدرت آغاز نمود. بورژوازی لیبرال، چنانکه امام خمینی اخیراً از مذاکرات نمایندگان آنها و خواستهایشان در پاریس پرده برداشته است، نه تنها موضع ضد امپریالیستی ندارد، بلکه غرب «دموکراتیک» را به رسمیت می‌شناسد و خواستار حفظ و گسترش روابط با آن است. بعد از دردم شکستن مواضع سرمایه‌داری بزرگ وابسته توسط انقلاب، بورژوازی لیبرال میخواهد این مواضع دردم شکسته را ترمیم کند و این بار خود، ایران را در جاده سرمایه‌داری هدایت کند. درست بخاطر همین موضع طبقاتی است که بورژوازی لیبرال قصد متوقف کردن انقلاب را دارد و کلمه مستضعفین را هم توهین تلقی می‌کند. اکنون چشم امید امپریالیستهای غربی، بعنوان «حداقل مطلوب»، به بورژوازی لیبرال بسته شده. امپریالیسم میکوشد با تضعیف موضع امام خمینی، موضع بورژوازی لیبرال را تقویت کند. بورژوازی لیبرال هم - به سبب خود، با گوشش برای از زیر ضربه خارج کردن امپریالیسم، سعی در جلب توجه و پشتیبانی بیشتر آنرا دارد. مقابله این دو خط مشی، بعد از آنکه امام خمینی بدنبال یک بقیه در صفحه ۴

امپریالیسم و ارتجاع محرك رویدادهای خونین خوزستان اند

تا عمال امپریالیسم، صهیونیسم، ساواکیها و بازماندگان رژیم پهلوی سرکوب نشوند، آرامش واقعی برقرار نخواهد شد. تا خودمختاری اداری و فرهنگی برای خلق عرب، در چار چوب حفظ وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران، تأمین نگردد، زمینه برای توطئه و تحریک وجود خواهد داشت. آیا رویدادهای خونین خرمشهر و آبادان پایان یافته است؟ فلا گویا چنین است و آرامشی نسبی در این سرزمین بسیار حساس و زرخیز میهن ما حکمفرماست. ولی آیا این آرامش بمعنای پایان ماجراست؟ باید بهوش بود و دانست که تاریخهای مسئله‌ای چنین مهم از بن کنده شده، هر آن امکان انجام توطئه و خونریزی

تضاد عمده هنوز تضاد با امپریالیسم است

لبه تیز مبارزه باید علیه امپریالیسم باشد

انقلاب ایران، انقلابی است ضد امپریالیستی (ملی) و ضد استبدادی (دموکراتیک). از این رو نخستین وظیفه این انقلاب سرنگونی رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک پهلوی، بمثابه مظهر و پیوندگاه امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی بود. سرنگونی این رژیم هدف نهائی نبود، بلکه نخستین گام در راه انقلابی بود که باید تمام مظاهر و پی‌آمدهای سلطه امپریالیسم و استبداد را در تمام شئون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی و ایدئولوژیک جامعه ریشه کن سازد و جامعه را بسوی پیشرفت همه جانبه، بسود طبقات و قشرها و گروههای اجتماعی ذینفع در انقلاب رهنمون گردد. در این هدف های کلی، همه نیروهای سوسیال در انقلاب، صرف نظر از اختلاف یا تفاوت در جهان بینی و ایدئولوژی، در نظریات و عقاید سیاسی و چگونگی بیان و کار برد اصطلاحات و مفاهیم، شریک هستند. ولی با وجود این اشتراك در هدف های کلی، در تعبیر و تفسیر و حدود و مرزهای آنها، و بخصوص در مسئله بقیه در صفحه ۴

قرار داد دو جانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

«مردم» و مردم

از دوست ارجمند، فلورا تیزابی،
نامه‌ای دریافت کرده‌ایم که در آغاز این
ستون عین آنرا نقل میکنیم.....

رفقای عزیز

در ابتدای نامه‌ام اجازه میخواهم که
صمیمانه‌ترین شادباش‌های خود را نسبت
به انتشار مجدد «روزنامه مردم» به
استحضار رسانیده و بگویم که در این
دوران، تضاد عقاید و ایدئولوژی‌ها به اوج
رسیده است و این موفقیت بزرگی بود که
«مردم» توانست از هفته‌ای یکبار انتشار
خود را به هفته‌ای سه بار برساند.

سپاس، تبریک و آرزوی موفقیت
خود را به خاطر زحمات پدیدرس هم
همسنگران حزبی تقدیم میدارم

رفقا پس از مطالعه چندین شماره
«مردم» که پس از انقلاب ضدامپریالیستی
میهن عزیزمان منتشر شد نکته‌ای را که
بنظرم رسیده است با تمام دست‌اندرکاران
«مردم» در میان میگذازم.

ما فیک میدانیم که «مردم» تنها برای
اعضای هواداران حزب منتشر نمیشود.
بلکه در این بلوای پر آشوب عقاید،
هستند جوانان عزیزی که نمیدانند
کدامین راه را بر گزینند و سرگردان بر سر
چند راهی ایستاده‌اند. چاپ یک سری
مطالب آموزشی، تاریخی، حزب و
خصوصاً توضیح و تعریف خط مشی حزب
از اهم موارد است این وظیفه حزب طبقه
کارگر - حزب توده ایران - است که
با بحث عمیق و آماروان از هر گونه انحراف
جلوگیری کند.

صمیمانه‌ترین درودهای خود را نثار
تنها حزب خلقی، حزب توده ایران مینمایم.

یک خانم مذهبی در یک گفتگوی
تلفنی با دفتر روزنامه مردم، ضمن تأیید
روش پرماتانت و خود دارانه راه پیمانان
حزب توده ایران در روز پنجشنبه، رفتار
خشن و تحریک آمیز مشی آشوبگری را که
دائماً در طول مسیر سد معبر و مزاحمت
ایجاد کرده قصد داشتند صفوف منظم آنها
را درهم بریزند، مورد نکوهش قرار داد
و گفت باعث تعجب است که چرا این گروه
معلوم الحال و اخلال گر معترض و مزاحم
کسانی می‌شدند که شمارها و پلاکاردهای
ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و
جانبداری از دادگاههای انقلابی و ملت
فلسطین و آیت‌الله خمینی با خود حمل
میکردند، من حتی گریه کنان در مقابل
آنها قرار گرفتم و یاد آور شدم که آنها
برادران شما هستند، و شب هنگام که
پس نامه‌های تظاهرات روز پنجشنبه از
تلویزیون پخش میشد، تظاهرات همه
گروهها و سازمانها و احزاب را نمایش
دادند، جز تظاهرات و راه پیمایی حزب
توده ایران را و چون از این بابت سخت
ناراحت شده بودم، اعتراض را تلفنی با
مسئولین تلویزیون در میان گذاشتم.

خواننده گرامی نسرين م. یادداشت
شما درباره تأثیر عمیق نمایشگاه شهدای
توده‌ای رسید. البته باید با اندیشه و
عمل روزبه، با ادامه راه حزب روزبه،
بنوشته شما، برس دشمنان وی کوفت.
موفق باشید.

یکی از دوستان در نامه خود مینویسد
که در برخی کمیته‌ها اشخاص ناباب رسوخ
کرده و رشوه خواری و فساد رایج شده،
که همین‌ها تحریک و بوقه درانی نمیکنند.
چند نمونه مشخص هم ذکر شده است دوست
گرامی! رهبران بسیاری از کمیته‌ها و خود
امام در درجه اول و چون چنین خطر و
لذوم تزکیه و تصفیه را خاطر نشان
ساخته‌اند. در مورد نمونه‌های مشخص نیز،
همانطور که خودتان نوشته‌اید، بررسی و
تحقیق دقیق لازم است. باید دانست که هر
خبری تا چه اندازه صحت دارد. باسلام
شما و امید به پاکسازی کامل کمیته‌ها.
بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱

تصاد عمد...

پیوند میان دو جانب ضد امپریالیستی
و ضد استبدادی، و یا به بیان دیگر،
میان دوجنبه ملی و دمکراتیک این انقلاب،
برخی ناروشنی‌ها، ساده اندیشی‌ها
و حتی گمراهی‌هایی وجود دارد، که
بطور عمد ناشی از مواضع و منافع
طبقاتی آن طبقات و قشرها و گروههایی
است که در این انقلاب شرکت داشته‌اند.

انقلاب ایران، انقلابی است ضد امپریالیستی
انقلاب ایران، انقلابی است ضد
امپریالیستی. باین جهت این انقلاب
باید دست امپریالیسم را از تمام عرصه
های زندگی اجتماعی ما کوتاه کند. کوتاه
کردن دست امپریالیسم فقط با خروج از
پیمان سنتو، پایان دادن به تسلط کارتل
نفت، قطع خریدهای نظامی، اخراج
کارشناسان انحصارها و کشورهای
امپریالیستی (آنهم بطور محدود) فیصله
نمیباید. برای مبارزه قاطع و نهائی با
امپریالیسم، باید تمام مظاهر و عوامل
آشکار و نهان آنرا از میان برد، تمام
قراردادهایی را که بر پایه نابرابری حقوق
و نفع یکجانبه امپریالیسم، بخصوص
امپریالیسم آمریکا، به مین و مردم ما
تحمیل شده، لغو کرد، به تمام وابستگی
های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی
و فنی خاتمه داد و به فعالیت عمال
داخلی انحصارها، که بصورت سرمایه-
داران بزرگ وابسته عمل میکنند نقطه پایان
گذاشت.

مبارزه با امپریالیسم یک مبارزه صرفاً
داخلی ملی و یک مبارزه غیر فعال بر
پایه «عدم تفهیم» مطلق نیست. اگر
مبارزه با امپریالیسم فقط به چارچوب مرز
های ایران و برای حفظ منافع آنی و
صرفاً ملی محدود گردد و همراه با تمام
کشورهای ضد امپریالیست در مقیاس
بین‌المللی علیه امپریالیسم جهانی متوجه
نگردد، به تنها کشور ما را در گرداب
ناسیونالیسم (ملیت گرایی) غرق خواهد
کرد و آنرا به انزوا و انفراد محکوم
خواهد ساخت، بلکه برای امپریالیسم،
بمنظور دست یازی مجدد به منافع ملی ما،
امکان بیشتری بوجود خواهد آورد منافع
دراز مدت مین ما را به خطر خواهد
انداخت.

دامنه مبارزه علیه امپریالیسم را نباید
در چارچوب منافع صرفاً ملی و مذهبی و
مسئله محدود کرد. امپریالیسم نیروی
است جهانی و برای حفظ منافع و گسترش
سیطره خود، آسیای و آفریقای، ایرانی
و غیر ایرانی، مسلمان و مسیحی، مذهبی
و غیر مذهبی، مارکسیست و غیر مارکسیست
نمیشناسد. مبارزان ضد امپریالیست نیز
باید چنین باشند. از اینجاست که چشم
بسته به همه تاختن، چپو راست، شرق و
غرب را با هم کویدن، نمیتواند راهی درست
و سیاسی دوراندیشانه باشد. در برابر
اتحاد نامقدس امپریالیسم جهانی، باید
اتحاد مقدس از همه نیروهای راستین ضد
امپریالیست بوجود آورد. تکروری کار را
به بیراهه میکشاند.

انقلاب ایران، انقلابی است ضد

استبدادی
انقلاب ایران، انقلابی است ضد
استبدادی. باینجهت این انقلاب باید
تمام مظاهر استبداد پهلوی را از میان
بردارد و مهتر از آن، تمام شرایط و
عواملی را که بنحوی از انحاء بتواند موجود
هرشکلی از استبداد، در هر رنگ و ویاس
که باشد، ریشه کن سازد.

گاه آزادی به معنا و مفهوم صحیح
آن درک نمیشود. آزادی مطلق و خالص
وجود ندارد. آزادی برای آزادی هم نیست
آزادی مفهومی است نسبی: آزادی برای
طبقات، قشرها و گروههای معین و عدم
آزادی برای طبقات، قشرها و گروههای
دیگر. آزادی میتواند برای استثمارگران
باشد. این آزادی بسود اقلیت بهره‌کش
و بزبان اکثریت بهره‌ده است. آزادی
می‌تواند برای خلق باشد (مفهوم خلق در

دوران های مختلف انقلاب متفاوت است)
و این آزادی بسود اکثریت ذینفع در
انقلاب علیه اقلیت ذینفع در ضد انقلاب
است. این همان دموکراسی بمعنای
اصیل خود است.

حزب توده ایران آزادی را بمعنای
آزادی برای تمام نیروهای اجتماعی، ام
از نیروهای هوادار انقلاب و نیروهای هوادار
ضد انقلاب نمیداند. این آزادی را بمعنای
آزادی برای نیروهایی هم که با کفتر و
کردار ناسنجیده و بی مسئولیت خود بطور
نادانسته به ضد انقلاب یاری میرسانند،
نمیداند. این نوع آزادی کار را به هرچ
و مرج میکشاند و سرانجام انقلاب و آزادی
را در سلخ ضد انقلاب و استبداد قربانی
میکند.

حزب توده ایران آزادی را بمعنای
آزادی یکجانبه برای اندیشه و مسلک
خاص، بزبان سایر اندیشه‌ها و مسلک
هائین نمیداند. زیرا در انقلاب نیروهای
مختلف، با اندیشه‌ها و مسلک‌های متفاوت،
ذینفع و شریک و سهیم هستند. حزب
توده ایران هوادار تنوع در اندیشه و
مسلک و حزب در جریان های سیاسی
است. تأمین آزادی فقط برای اندیشه و
مسلک خاص، کار را به انحصار طلبی در
عرصه اندیشه و سیاست میکشاند. حل
معضلات اجتماعی را در دنیای بسیار پرنفخ
و پیچیده کنونی دشوار میسازد و به تکامل
اندیشه و جامعه خصلت یک بعدی می-
دهد. اگر مطلق کردن آزادی موجب
هرچ و مرج میگردد. انحصار طلبی در آن کار
را به سکتاریسم میکشاند. با اینکه هر یک
از اندیشه‌ها و مسلک‌ها، متناسب با
نیروی هوادار خود در جامعه، حق و سهم
شرکت در دولت و اداره کشور دارند،
برای جولان و رقابت آزاد آنها در جامعه
باید حق و سهم برابر بوجود آید.

آزادی بمعنای دموکراتیک آن (نه
بمعنای لیبرالیستی) مفهومی است بمراتب
گسترده تر از آزادی اندیشه و آزادی
بیان، و قلم. و این آن چیزی است که
برخی از روشنفکران ما توجه لازم به آن
ندارند.

آزادی های دموکراتیک فقط زمانی
واقعی و با محتوی است که منافع خلق را
بطور اعم و منافع توده زحمتکش را، که
اکثریت مطلق خلق را تشکیل میدهند،
بطور اخص، تأمین نماید. دموکراسی
باید در تمام نهادهای سیاسی، اجتماعی،
اقتصادی و فرهنگی جامعه رعایت شود.

دموکراسی واقعی سیاسی، به معنای
شرکت مستقیم و برابر حقوق تمام خلق
در تمام ارگان‌های دولتی است. دموکراسی
واقعی اقتصادی (در شرایط کنونی جامعه
ما) بمعنای آزادی در مبارزه طبقاتی و
حق شرکت زحمتکشان در اداره امور
واحدهای اقتصادی است. دموکراسی واقعی
بمعنای آزادی و برابری خلق‌ها، آزادی
و برابری زنان، حق کار، حق مسکن، حق
بر خورداری برابر از آموزش و بهداشت
و غیره است، یعنی با حقوق دموکراتیک
پیوند ناگسستی دارد. بدون تمام اینها،
آزادی و دموکراسی کلماتی پوچ و بی-
محتوی خواهد بود. درباره آزادی بیان
و قلم تا بخواهی میتوان سخنراند و قلم زد
ولی اگر این آزادی، نخواهد و یا نتواند
در راه تأمین حقوق و آزادی‌های بنیادی
گام بردارد، آب در هاون کوبیدن خواهد
بود.

پیوند مبارزه ضد امپریالیستی و ضد
استبدادی

میان مبارزه علیه امپریالیسم (یا
مبارزه ملی) و مبارزه علیه استبداد (یا
مبارزه در راه دموکراسی) پیوند ناگسستی
وجود دارد. امپریالیسم برای برقراری،
حفظ و تشدید تسلط خود به نیروهای
خود فروش و ارتجاعی در داخل کشور نیاز
دارد و باین نیروها تکیه میکند. این نیرو
ها فقط از راه دیکتاتوری میتوانند نژود
امپریالیسم و سیطره خود را به جامعه
تحمیل کنند. امپریالیسم خارجی بدون
ارتجاع و استبداد داخلی نمیتواند به غارت
خود ادامه دهد و ارتجاع و استبداد داخلی
نیز بدون پشتیبانی امپریالیسم خارجی نمی-

رویدادهای ایران

● خلیج فارس در واقع هم خلیج امریکا بود

آیت‌الله خلخالی، که از کشورهای خلیج فارس دیدن کرده، برای نخستین بار
اخباری را فاش ساخت، که در طول کار دادگاههای انقلاب و در جریان بازجویی و
محاكمه جنایتکاران و عمال رژیم سرنگون شده، بدست آمده است. ما ضمن تأکید
بر این نکته بسیار مهم، که تمام اطلاعات بدست آمده از محاکمه این متهمان
مهیاست با اطلاع مردم برسد تا توده‌ها خود تشخیص بدهند که دوست کیست و دشمن
در کجا کین کرده و میکند، نکات برجسته این افشاکری بسوق را در اینجا
میاوریم.

افسران ارشد نیروی هوایی ایران در جریان دادرسی فاش کردند که ده
هزار مستشار نظامی اسرائیل و چهل هزار امریکائی، که در دوران رژیم شاه مخلوع
در ایران اقامت داشتند، در جریان جنگ اکتبر ۱۹۷۳، از ارتش اسرائیل پشتیبانی
لجستیکی کرده بودند، همچنین مقدمات قتل‌سختن از رهبران فلسطین، که در آوریل
۱۹۷۳ در خیابان وردن بیروت کشته شدند، توسط ماسوران ساواک با همکاری
نزدیک سرویس‌های مخفی اسرائیل، در تهران، فراهم شده بود.

آیت‌الله خلخالی در همین سفر و در مصاحبه‌ای که با وی در ابوظبی صورت
گرفت، اعلام داشت که انقلاب ایران تنها با شخص شاه مخلوع مخالف نیست،
بلکه مخالف کلیه نیروهای امپریالیستی و صهیونیستی است، که از او حمایت
کرده‌اند. در دوران رژیم شاه سابق، خلیج نه ایرانی بود و نه عربی، بلکه خلیج
امریکائی بود.

● یکبار دیگر مشت جاعلین تاریخ حزب توده ایران باز شد

گروهک‌هایی که در کمین نشسته‌اند تا از هر فرصت بدست آمده، ضربه‌ای بطرف
حزب توده ایران پرتاب کنند، ظاهراً از مدت‌ها قبل در کمین نشسته و خوجوا آماده
کرده بودند تا در آستانه سالگرد قیام خونین ۱۵ خرداد، با انتشار مشی‌جملیات
بصورت اعلامیه و به اصطلاح خودشان «تحلیل» و «مدرک»، هجوم تبلیغاتی جدیدی
را علیه حزب توده ایران برآه اندازند و بخیال خودشان ثابت کنند که، مشی
کنونی حزب مبنی بر پشتیبانی از امام خمینی ناشی از فرصت طلبی است.

طبق اطلاعاتی که بدست ماریسده، برخی از این گروهک‌ها، که برای طبقه کارگر
ایران سینه‌هم‌چاک میدهند، جزوه مربوط به ۱۵ خرداد و حمله به حزب توده ایران
را چاپ و افراد بی‌خبر از تاریخ و حقایق مربوط به حزب توده ایران خود را برای
توزیع وسیع این جزوه بسیج هم کرده بودند که با انتشار جزوه «حزب توده ایران
و جنبش ۱۵ خرداد» همه رفته‌ها پنبه شد و یکبار دیگر حقایق مربوط به تاریخ حزب
توده ایران مشت آنهایی را که با انکار واقعیات و جعل رویدادها، قصد فریب خود
و یارانشان را دارند و حتی یار افرائی گذاشته می‌خواهند ذهن توده‌های مردم را در باره
این حزب خراب کنند، باز کرد.

انتشار این جزوه، که سرعت ازسوی مردم خرید شده و نایاب گشت، یکبار
دیگر این حقیقت را ثابت کرد که، مشی کنونی حزب توده ایران مربوط به امروز و
دیروز نیست و ریشه این مشی درست را، آنها که به حقایق علاقه دارند، قبل از آنکه
در اتهامات گروهک‌های ماوراء چپ و برخی افراد مغرض و با سوء نیت جستجو
کنند، مهبیاست در انتشارات حزب توده ایران پیدا کنند.

● ادامه کار دادگاههای انقلاب چرا باید مختل شود؟

ادامه کار دادگاههای انقلابی در چند شهرستان، بدلائل مختلف، با مختل
شده و یا بکلی متوقف گردیده است. این رویداد در چند شهر با اعتراض بحق مردم
روبرو شده، که گاه با تظاهرات و گاه با صدور اعلامیه و نامه سرگشاده خطاب به
رهبران انقلاب بیان گردیده است. در تمام این اعتراضها يك نکرانی بحق نهفته
است و آن سوء استفاده ضد انقلاب و عاملین رژیم گذشته از این شرایط است همچنین
در بعضی شهرها، حکم‌هایی که در دادگاههای انقلاب صادر شده، موجب اعتراض بحق
مردم قرار گرفته است. بعنوان نمونه، در زنجان، اعلامیه‌ای ازسوی پاسداران
دمیرلو منتشر شده که در آن آمده است: «آیا در زنجان کسی شهید شده؟ آیا قاتلان
برادران شهید ما از آسمان آمده بودند؟»

کدام خانواده شهید است که خون فرزند خود را با پول معامله کند؟ کدام
قاضی شرع میتواند برای قتل در شرایط کنونی انقلاب «دیه» تعیین کند؟
این پاسداران از دادگاه انقلاب اسلامی زنجان خواسته‌اند که در محاکمات
دقت بیشتری بکنند و حقانیت و انقلابی بودن خود را با آرای بحق خویش بشبوت
برسانند. قصاص کید همانطور که بر ما گذشت.

همچنین گروه دیگری از پاسداران انقلاب اسلامی این شهر، به روش
صدور حکم دادگاه انقلاب زنجان اعتراض کرده در قطعه نامه ۷ ماده‌ای خود
خواستار تجدید نظر در آرای محاکمات گذشته این دادگاه شده‌اند.

از شهر رشت نیز گزارش میرسد که بیش از ۱۵ روز است که این دادگاه حاکم
شرع ندارد و اکنون ۲۰ پرونده، که آماده مطرح شدن در دادگاه است، را کد
مانده و بیش از ۴۰ مهمم در انتظار محاکمه‌اند. بدلائل یاد شده، دادسرای انقلاب
اسلامی رشت کار خود را متوقف کرده است.

توانند دوام آورند. بهمین جهت مبارزه
علیه امپریالیسم از مبارزه علیه ارتجاع و
استبداد جدائی ناپذیر است.

در دوران پس از انقلاب نیز همین پیوند
وجود دارد. امپریالیسم فقط با توسل به
بازمانده‌های ارتجاع و استبداد سرکوب
شده میتواند تسلط خود را از نو برقرار
سازد و بقایای ارتجاع و استبداد نیز فقط
به یاری امپریالیسم میتوانند، قدرت از
دست رفته را بازیابند (البته منظور
بازگشت فردو احیاء استبداد بشکل
سابق نیست، بلکه احیاء ارتجاع و استبداد
بطور کلی مورد نظر است).

مبارزه ضد امپریالیستی عمده است.
ولی با آنکه میان مبارزه علیه امپریالیسم
و مبارزه در راه دموکراسی پیوند وجود
دارد و مبارزه علیه یکی بدون مبارزه
علیه دیگری، میسر نیست، در مراحل

بقیه در صفحه ۵

بقیه از صفحه ۱

پانزده خرداد روز تجلی...

فروستم جامعه سرمایه داری در ایران بود. مردم ستمدیده مادر بدترین شرایط، در بیغوله‌ها و گودهای این محل زندگی میکردند. اکثریت راهپیمایان را هم اینان تشکیل میدادند. من در شمار ایشان، در نیرومندی جانان در کینه‌شان به دشمن، نیروی شکستی دادیم که قادر به فرو ریختن هر نیروی ضد مردمی است. خبر نگار دیگری «مردم» که از میدان راه آهن همراه مردم حرکت کرده، می نویسد:

«بعد از سرنگومی شاه مخاوع، این عظیم ترین راه پیمایی مردم ایران بود. طبقات و اقشار مختلف مردم، که به دعوت حزب جمهوری اسلامی، انجمن های کوناگون اسلامی و دعوت عام حزب توده

ایران، برای بزرگداشت مراسم ۱۵ خرداد دست به راه پیمایی زده بودند، شانه به شانه هم حرکت میکردند. بر اساس «ممنوع گزارش ها، در تمام مسیر راه پیمایی، «مردم در وحدتی چشمگیر، مسلمان و توده ای شانه به شانه هم، کارگر و کارمند دست در دست یکدیگر، زن و مرده همسوا راه پیمایی کردند. در میان شما ها، پلاکاردها خواست عمده مردم روشن بود، اول، نابودی امپریالیسم، سهیونسم و ارتجاع، دوم، وحدت زیر رهبری امام خمینی.

حرکت از ۸ نقطه ستاد برگزاری مراسم، میدان های راه آهن، انقلاب، شهدا، خراسان، دروازه غار، سدها زندان، چهارراه لشکر

بقیه از صفحه ۱

جبهه ها آشکارتر میشود

دیدار ۶ ساعته با همین دولت، بار دیگر مواضع خود را اعلام کرد. در شکل حادثه و روشنتری در افق سیاسی ایران جلوه کرد. بدنبال ضد امپریالیستی امام بود. بورژوازی لیبرال، از جمله در اظهارات نخست وزیر، حسن زویه رئیس شرکت ملی نفت و با استفاده از کنگره نمایی وسیع ضد آمریکائی، که جواب مثبت توده ها به موضع قاطع و کلای دادگستری، واکنش وسیعی نشان داد.

نمایندگان بورژوازی لیبرال در سخنان خود یا خواستار ابقاء سرمایه داری وابسته در ایران شده اند و یا حتی افتادن مردم را به چاه آنها ناگزیر دانسته اند. در حالیکه حسن زویه اعلام می کند که «تمام مصادر صنعت و تجارت مملکت احساس خطر می کنند، نمی دانند کجا باید پناه ببرند، نمی دانند کجا بروند نظم کنند و سرگردان مانده اند و نمیدانند تکلیف چیست» و با درخواست عفو عمومی می گوید: «صاحبان نفت و تجارت را دعوت به کار کنید. این بزرگترین عامل برای رفع بیکاری خواهد بود، نخست وزیر هم از مردم میخواهد که «انضباط» را جایگزین «انتقام» کنند و اعلام می کند: «انتقام بی است، بعد کافی انتقام گرفتیم و حالا باید انضباط را پیشه کنیم تا بتوانیم به کارها پردازیم». نخست وزیر که میخواهد مبالغ هنگفتی را، که رژیم سابق از بانک مرکزی یا «بانک های دیگر داخلی» وام گرفته به آنها پرداخت کند، و در واقع ادامه سلطه مالی «بانک های دیگر داخلی» را، که عموماً متعلق به امپریالیستها هستند، بر اقتصاد کشور رسماً می پذیرد، خواهان لغو قراردادهای اسارت بار با امپریالیستهاست.

نخست وزیر می گوید: «ما وارث قراردادهای و سفارشی هائی هستیم که نه می توانیم آنها را ندیده بگیریم و نه از آن طرف به راحتی و سادگی انجام دهیم که اینها برای امور عمرانی از قبیل سیلو، برق، معدن، کارخانه و هواپیما لازم است». او با اینکه نتیجه می گیرد که تمام قراردادهای به «نفع طرف» است، و به «ضرر ما»، اعلام می کند که: «و چنین چاههای و بلی که دستگاههای گذشته گنده اند، مملکت ناچار باید درون آن بیفتد و خفه شود».

این چاه ویل، که بقول نخست وزیر، مملکت ناچار باید در آن خفه شود، همان سرمایه داری وابسته است که زویه خواستار عفو و بازگشت عمال آن و نخست وزیر، خواهان حفظ قراردادهای اسارت بار است. بسخت دیگر بازگشت همان سیستمی که انقلاب ایران آنرا با نادن هزاران شهید درهم شکسته است.

بورژوازی لیبرال برای حقوق گرفتن انقلاب...

ارگانهای آن است. نخست وزیر بسدت به شوراهای سر بازار و کارگران حمله می کند و برای چندمین بار از وجود کمیته ها اظهار ناراحتی می کند و زویه برای تیرگه سرمایه داران خونخوار وابسته به امپریالیسم، به دادگاههای انقلاب حمله میکند و می گوید: «ولی اشتباه دادگاهها سبب شد که افراد یگانه ای (البته از نظر عدم ارتکاب آدم کشی) اعدام شوند». او باین ترتیب القایان و خرم را، که جنایات آنها بی مه، بویژه زحمتکشان، بیشترین لطامات را زده، «یگانه» می شناسد و اعدام آنها را «اشتباه» میداند.

روشن است که حزب توده ایران هوادار اصولی و پیگیر دموکراتیسم انقلابی است و وظیفه عمده نیروهای انقلابی را، در لحظه کنونی، مبارزه برضد امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم امریکا، سهیونسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده، و قبل از همه عمال ساواک و وابستگان به رژیم سرنگون شده، یعنی سرمایه داری بزرگ وابسته میدانند. حزب توده ایران که خود هوادار اصولی و پیگیر تأمین و تقسیم حقوق و آزادیهای دموکراتیک است، تأمین و تقسیم واقعی حقوق و آزادیهای دموکراتیک را فقط در چارچوب مبارزه ضد امپریالیستی و پیروزی این مبارزه ممکن میسرود.

حزب توده ایران مواضع بورژوازی لیبرال را، صرف نظر از پوششی آن، سازشکارانه، ناپیگیر و غیر قاطع میدانند و این مواضع را بویژه در مبارزه با ضد انقلاب زیانبخش و خطرناک تلقی میکنند.

حزب توده ایران، وفادار به مشی اصولی خود، بار دیگر از همه میهن پرستان و آزادیخواهان، از همه عناصر ملی وضد امپریالیست، از همه نیروهای انقلابی دعوت میکند که با اتحاد خود «در جبهه متحد خلق»، بمقابله، با ضد انقلاب برخیزند و با سرکوب ضد انقلاب، راه برای حفظ و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب هموار سازند.

اخبار کارگری

۲ سال است که در شرکت برج کار می کنند. اما هنوز حق مسکن، حق اولاد حق اضافه کاری، حق مرخصی و حقوق روزهای تعطیل را دریافت نکرده اند و اکنون حدود ۴ ماه است که خواستار حقوق تضییع شده شان می باشند. این کارگران که تعداد آنها مجموعاً نزدیک به ۸۰۰ نفر است، از دوسال پیش حق بیمه پرداخت می کرده اند، ولی هنوز بیمه نشده اند. یکی از کارگران می گفت: «ما از ۲۶ دی ماه سال گذشته دست از کار کشیدیم و به صفوف انقلابیون پیوستیم، ولی تاکنون هیچ حقوقی دریافت نکرده ایم. اکنون علاوه بر اینکه حقوق ۲۶ روز را، که کار کرده ایم، میخواهیم، حقوق این مدت را، که بیکار و سرگردان بوده ایم، نیز خواهیم».

عده ای نزدیک به ۲۰۰ نفر از این کارگران از اهالی آذربایجان هستند. آنها خانواده شان را رها کرده و به اینجا آمده اند تا به وضع آنها رسیدگی شود. این عده شبها در خیابانها و یا در مساجد می خوابند. اینها طی ۴ ماه بارها به فرمانداری، استانداری و اداره کار مراجعه نموده اند، اما هنوز مسئولین جواب قانع کننده ای به آنها نداده اند. بنا به گفته کارگران، عده ای از همکاران آنها از درگیری خسته شده و اکنون به کار کشاورزی و مشاغل از این قبیل پرداخته اند.

پیروزی کارگران بیکار شرکتهای راه و ساختمان ناحیه طالش

ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه ۲۶، ۵۸، کارگران بیکار شرکت های راه و ساختمان ناحیه طالش وابسته به مجتمع کاغذ سازی چوکا، بعد از مدتها کوشش و پیگیری و نیز در اثر اتحاد و همبستگی، موفق به احقاق بخشی از حقوق خود از شرکت ساختمانی گیلکان شدند و به اتفاق توانستند مبلغ دو میلیون و پانصد هزار تومان، برای تقریباً ۱۵۰۰ نفر کارگر بیکار، عیدی سال ۵۸ را از کارفرما بگیرند. ضمناً در حالی که کارگران برای دریافت عیدی بصف ایستاده بودند، یکی از نمایندگان کارگران بیکار، طی یک سخنرانی کوتاه به ضرورت اتحاد و تشکل هر چه بیشتر اشاره کرد و اظهار داشت که برای دست یافتن به دیگر خواستهای خود، باید هر چه بیشتر باهم در تماس باشند و به جمع خود تشکل سازمانی بخشند.

تحصین ۲۰۰ کارگر شرکت «آرک فیروز»

۲۰۰ نفر از کارگران شرکت «آرک فیروز»، از روز یکشنبه ۲۳ اردیبهشت ماه، در محل دفتر این شرکت، در خیابان تخت طاووس، دست به تحصین زدند. کارگران خواستار گرفتن حقوق عقب افتاده خود هستند و اظهار میدارند که در جریان اوج گیری مبارزات انقلابی در پانزده سال گذشته، کارفرما به بهانه نبودن کار آنها اخراج کرده و اکنون کارگران میخواهند که حقوق این مدت را، که از کارشان جلوگیری کرده اند، دریافت دارند.

شرکت «آرک فیروز» پیمانکار ساختمان پایگاه نیروی دریایی، در کنارک چاه بهار است و در سال گذشته حدود سه هزار کارگر را در استخدام خود داشته، که اکثر آنها بلوچ و سطح دستمزدشان به سایر پیمانکاران بوده است. اکنون هم رئیس شرکت وهم رئیس کارگاه فراری هستند و ۲۰۰ کارگر مذکور برای مذاکره با وزارت کار و احقاق حقوق خود از چاه بهار به تهران آمده اند و روزهای متوالی است که در تهران سرگردان مانده اند و در شرایط بسیار بدی بسر میبرند.

تحصین رانندگان و کمک رانندگان بیکار

در حدود ۱۵۰۰ تا ۱۷۰۰ نفر راننده و کمک راننده و سائط نقلیه بیکار در برابر کاخ نخست وزیری دست به تحصین زده اند. این کارگران مدت ۸ ماه است که بیکار هستند. چهار ماه قبل به وزارت کار مراجعه کردند که آنها را به وزارت راه و ترابری فرستاده اند تا از ماشین های این وزارت خانه که حدود سه سال است در بیابان های جاده سواره خوابیده و در شرف از یپر رفتن است استفاده کنند. ولی مسئولان وزارت راه و ترابری از تحویل این ماشین ها به کارگران امتناع نمودند و پیشنهاد کردند که رانندگان باید ۴۰/۰۰۰ ریال پیش قسط بپردازند!

این سومین باری است که کارگران به نخست وزیری مراجعه می کنند. خواست کارگران اینست که ترمینالی ساخته شود و ماشین های راه و ترابری به آنها برده شود وزیر نظر خود راننده ها، ماشین ها تعمیر شود و بدون پیش قسط، با اقساط عادلانه و با مدارکی که قابل قبول باشد، رانندگان شناسائی شوند و ماشین به آنها واگذار شود.

اکنون دبیرسندیکای رانندگان و کمک رانندگان سرگرم مذاکره با مقامات مسئول درباره خواست های کارگران است. کارگران می گویند اگر تکلیف ما را روشن نکنند و به تقاضاهای ما پاسخ مثبت ندهند، به تحصین خود ادامه خواهیم داد. کارگران معتقدند که اگر دولت نمی خواهد به آنها ماشین واگذار کند، شغل دیگری برای آنها تأمین نماید.

کارگران شرکت بوج دست به تحصین زدند

عده ای قریب به ۵۰ نفر از کارگران شرکت برج، در محل فرمانداری شهرستان قائم شهر، روز یکشنبه ۳۰ اردیبهشت، اجتماع نمودند. آنها خواستار رسیدگی به وضعیتشان بودند. این کارگران حدود

ارتجاع، سراسر میدان را لحظه به لحظه در می نوردید. پاسداران انقلاب، که در تمام راه پیمایی ها حضور داشتند و بسا دقت تمام مراقب بودند، در اینجا نیز مراقبت را بعهده داشتند.

ساعت ۹/۵ صبح، صدها موتور سیکلت سوار، که در جریان انقلاب ایران، طلا به داران سپاه مردم بودند، در میدان دور زدند و آنگاه اولین صف راه پیمایان از خیابان ناصر خسرو به میدان رسید. بدنبال آن از ۶ خیابانی که به میدان می رسد، راه پیمایان، صف در پی صف، در حالیکه میدان در شمارهای شورانگیز زنان و مردان غرق میشد، به جمعیت انبوه میدان می پیوستند. شمارهای اغلب راه پیمایان هنگام رسیدن به میدان اینها بود:

— مرگ بر هر سه مفسدین، کاتر و سادات و بگین

— خون شهدای ما منتظر جواب است، اعدام انقلابی تکمیل انقلاب است.

از دروازه غار
خبرنگار روزنامه «مردم» در ادامه گزارش خود از راه پیمایان دروازه غار می نویسد:

در پلاکاردهائی که مردم در دست داشتند از جمله شمارهای زیرین دیده، میشد:

— استبداد را بر انداختیم، استعمار را نیز ریشه کن می کنیم.

— روز پانزدهم خرداد قیام ملت ایران بر علیه امپریالیسم و حکومت طاغوت.

راه پیمایان شمارهای زیرین را همراه بادهای شمار دیگر تکرار می کردند:

— آمریکا آمریکا راه نفوذ ندارد، انقلاب انقلاب هرگز وقفه ندارد.

— فلسطین پیروز است، سهیونسم نابود است.

سیل جمعیت به میدان میرسد میدان توپخانه، ساعات نخستین صبح در جمعیت غرق بود. زنان و مردان در دو سوی میدان اجتماع کرده بودند، موج شمارها در پشتیبانی از امام خمینی و محکوم کردن امپریالیسم، سهیونسم و ماست.

بقیه در صفحه ۵

و دانشگاه تهران را برای آغاز راه پیمایی در نظر گرفته بود، ساعت ۸ صبح، مردم گروه گروه در نقاط یاد شده جمع شدند و آنگاه بطرف میدان توپخانه حرکت کردند. گزارش فشرده راه پیمایی را از چند محل آورده ایم:

از میدان خراسان:

راه پیمایی میدان خراسان از ساعت ۹ صبح شروع شد. جمعیت بسیار زیادی در خیابانها و پیاده روا حرکت میکردند، که اکثر آنها از مردم زحمتکش بودند. زنان نیز تقریباً برابر مردان در آن شرکت داشتند. صدها شمارروی پلاکاردها دیده میشد. برخی از شمارها چنین بود:

— کارکنان صنایع دفاع ملی، سنای آمریکا را بملت دخالت در امور داخلی ایران محکوم میکند.

— جمهوری اسلامی، خونهای جوانان ماست. این خونها را گرامی داریم.

— دشمن خلق ایران، در هر لباس باشد، اعدام باید گردد.

— ماهمه سرباز امام خمینی هستیم. رابطه ما با آمریکا رابطه یک غارت شده با یک غارتگر است.

— دادگاه انقلابی مورد تأیید ماست. راه پیمایان صدها عکس از امام خمینی در دست داشتند و در دهها پلاکاردها بیانات امام درباره مبارزه با امپریالیسم و سهیونسم نقل شده بود. مردم در حال حرکت، در صفهای فشرده، از جمله شمارهای زیرین را تکرار میکردند:

— مرگ بر سه مفسدین، کارتر و سادات و بگین

— پانزده خرداد آغاز نهضت ماست.

— خمینی بت شکن رهبر امت ماست.

— آمریکا دشمن ماست، الله یا اور ماست.

— فلسطین پیروز است، سهیونسم نابود است.

از میدان شهدا
نزدیک ساعت ۹ صبح هزاران نفر از میدان شهدا بحرکت درآمدند. اکثریت راه پیمایان را کارگران و زحمتکشان تشکیل می دادند. تعداد زنان بسیار چشمگیر بود. راه پیمایان پلاکاردهای متعددی حمل می کردند، که برخی از آنها را نقل می کنیم:

* شعار ما در ۱۵ خرداد وحدت کلمه است.

* ما اجازه دخالت در امور داخلی کشورمان را به هیچ کشوری نمی دهیم.

* دادگاههای انقلاب را تأیید می کنیم.

* فلسطین پیروز است، سهیونسم نابود است.

* خمینی رهبر ماست، آمریکادشمن ماست.

* مرگ بر ۳ مفسدین، کارتر و سادات و بگین.

* خون شهدای ما منتظر جواب است، اعدام انقلابی تکمیل انقلاب است.

از دروازه غار
خبرنگار روزنامه «مردم» در ادامه گزارش خود از راه پیمایان دروازه غار می نویسد:

در پلاکاردهائی که مردم در دست داشتند از جمله شمارهای زیرین دیده، میشد:

— استبداد را بر انداختیم، استعمار را نیز ریشه کن می کنیم.

— روز پانزدهم خرداد قیام ملت ایران بر علیه امپریالیسم و حکومت طاغوت.

راه پیمایان شمارهای زیرین را همراه بادهای شمار دیگر تکرار می کردند:

— آمریکا آمریکا راه نفوذ ندارد، انقلاب انقلاب هرگز وقفه ندارد.

— فلسطین پیروز است، سهیونسم نابود است.

سیل جمعیت به میدان میرسد میدان توپخانه، ساعات نخستین صبح در جمعیت غرق بود. زنان و مردان در دو سوی میدان اجتماع کرده بودند، موج شمارها در پشتیبانی از امام خمینی و محکوم کردن امپریالیسم، سهیونسم و ماست.

بقیه در صفحه ۵

بقیه از شماره پیش

گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

مائوئیسم و انقلاب ایران

در ایران چندین گروهک مائوئیستی پدید آمده که میکوشند بویژه محیط دانشگاهی را با انواع انتشارات مبتذل و کم ارزش پر کنند و با ایجاد آشفته فکری و تفرقه در جنبش انقلابی، بر سر راه آن ایجاد مانع نمایند. این گروهکها، مائوئیست بودن خود را بشدت انکار میکنند تا اولاً مسئولیت خرابکاری بزرگ چندین ساله مائوئیسم را در جنبش انقلابی ایران و جهان بعهده نگیرند و جوا بگویی هیچ واقعه وحادثه‌ای نباشند، ثانیاً با تغییر شناسنامه و آدرس، احتمالاً از خشم توده‌ها مصون بمانند و بتوانند به خرابکاری خویش ادامه دهند. کاریکه بیشتر شایسته شهادت حرفه‌ای است تا سازمانهای سیاسی، وقتی مائوئیستی‌هویت خود را دانسته انکار میکنند، باید دانست که خرابکاری او عمدی و حساب شده است.

گروهکهای مائوئیستی به انقلاب ایران از این دیدگاه اصلی و تعیین کننده مینگرند که، خطر اصلی «سوسیال امپریالیسم روس» است و انقلاب ایران نیز، از آنجا که دامنه نفوذ «سوسیال امپریالیسم» را گسترش میدهد، قابل دفاع نیست. البته کسانی که حتی هويت خود را پنهان میکنند، طبیعی است که عقیده ضد انقلابی و خرابکارانه خویش را نیز به صراحت بیان نخواهند کرد. با اینحال نوشته‌های مائوئیست‌ها بعد کافی صریح است.

گروهک «اتحاد مبارزه» مدعی است که «سیاست ارباب - (ابر قدرت روس)» تغییر کرده و «تهاجمی» شده است و گویا همین سیاست «تهاجمی ابر قدرت روس» است که

«امریکا و متحدین اروپائیش را وامیدارد تا برای مقابله با تهاجم رقیب، که از موقعیت و امکانات مناسبی برای بهره برداری از جنبش خلق ایران برخوردار است، گامهای خود را برای تمهید یک سازش بر اساس عقب نشینی حساب شده سرعت بخشد»^۱

این فکر خرابکارانه که، خطر از جانب شوروی است و او است که از موقعیت و امکانات مناسبی برای بهره برداری از جنبش انقلابی ایران برخوردار است، و تدارکات چنایکارانه امپریالیسم امریکا چیزی نیست جز عکس العمل در برابر «تهاجم رقیب»، مانند نخ سرخی از میان همه نوشته‌ها و گفته‌های همه گروهکهای مائوئیستی میکندد. گروهک «رزمندگان ..» خطر را حتی جدی تر از این میبیند و مردم را از «کودتای روسی» میترساند و مینویسد:

«او (حزب توده ایران) در پی جایگزینی سلطه سوسیال امپریالیسم شوروی با امپریالیسم امریکاست... برای ایجاد شرایطی که بتواند در آن دست به یک کودتای نوع روسی بزند کافی است.»^۲

گروهک «یککار» پس از یک کتاب دشنام کثیف - نقل و نبات محافل مائوئیستی - که نشان حزب توده ایران میکند، همین هشدار را تکرار میکند که حزب توده ایران،

«نوکران و چاکران حلقه بگوش سوسیال امپریالیسم... هم اکنون نقش جاسوس روسها را در ایران بازی میکنند و میخواهند راه را برای سرمایه‌های (۱) روسی در ایران هموار سازد.»^۳

یک گروهک دیگر مائوئیست از تشدید مبارزه ضد امپریالیستی نگران است و میگوید: «عمده کردن جنبه ضد امپریالیستی مبارزه» (سبب فراموش کردن جنبه ضد سرمایه‌داری وابسته انقلاب) میشود و گروهک دیگری برنامه‌ای مرکب از هفت ماده، بعنوان پایه اتحاد همه گروهکهای مائوئیستی پیشنهاد میکند، که ماده دوم آن چنین است:

«۲- موضع گیری قاطع و علمی روی سوسیال امپریالیسم شوروی و نوکران فارسی زبانش، کمیته مرکزی خائن حزب توده.»^۴

اما در این برنامه هفت ماده‌ای، حتی اسم امپریالیسم هم نیست! نباید هم باشد. مبارزه با امپریالیسم نقطه مشترک گروهکهای مائوئیستی نیست. همکاری با آن وتلاش برای منحرف کردن جنبش مردم ایران از مبارزه با امپریالیسم بسوی اردوگاه سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی، پایه اصلی و علت وجودی این گروهکهاست. اینان هر قدر بخواهند زایندهگان خود را انکار کنند، هویشتان آشکار است. آنها قارچه‌های سنی هستند که بروی تنه پوسیده و متلاشی شده مائوئیسم روئیده‌اند، نهریسه‌های در جامعه دارند، نفاخ و برگی مبشر تکامل آینده.

در گذشته، زمانی که مائوئیست‌ها، برخلاف امروز، دفاع از «اندیشه‌های تا بنک صدر مائو» را بزرگترین افتخار خود میدانستند، برای پیشبرد هدفهای ضد انقلابی خویش به این اندیشه‌ها متوسل میشدند. آنها در برابر انقلاب واقعی، انقلاب من در آوردی مائوئی را قرار میدادند و از همه میخواستند، که بجای شرکت در جنبش واقعی انقلابی، بروند و از طریق دهات شهرها را محاصره کنند و تمام جهان را از لوله تفنگ بگردانند و غیره. امروز این خائن‌نکی ندارد. طشت رسوائی «اندیشه‌های صدر مائو» از جام افتاده است. لذا مائوئیست‌ها، برای تدارک خرابکاری ضد انقلابی خویش، «تئوریهایی» دیگری ساخته‌اند. آنها دیگر نمیگویند که انقلاب ایران «دموکراسی نوین» است، بلکه مدعیند که انقلاب ایران در «مرحله دمکراتیک خلق» است. ظاهر آ کلمات عوض شده است، ولی در واقع شکر در کارمانست که بود، مائوئیست‌ها یک انقلاب من در آوردی در روی کاغذ برای خودشان ساخته‌اند تا هدفهای ضد انقلابی خویش را در پشت سر آن پنهان کنند. خود را بعنوان کسانی که از این انقلاب روی کاغذ دفاع میکنند، بزرگترین انقلابیون جا بزیند، اما با هر اقدام واقعی انقلابی مخالفت نمایند، به این بهانه که با نسخه دروغین پیشنهادی آنان مطابقت ندارد.

چنانکه میدانیم، حزب توده ایران مرحله کنونی انقلاب ایران را بنا به خصلت ضد امپریالیستی و دمکراتیک آن، مرحله دمکراتیک ملی میدانند و معتقد است که در شرایط امروزی جهان، با تمیز عظیم تناسب نیروها بسود سوسیالیسم این انقلاب میتواند وظایف دمکراتیک را بسود توده‌های مردم - نه بسود بورژوازی - انجام دهد و تسبیحگیری سوسیالیستی داشته باشد. قاعدتاً با هر بخشی از این تحلیل، اگر میتوان مخالفت کرد، با خصلت ملی - ضد امپریالیستی - انقلاب ایران نمیتوان مخالفت بود، اما شگفتی آنست که گروهکهای مائوئیستی ایران در صفت ملی این انقلاب را نفی میکنند و مرحله «دمکراتیک خلق» را برای این پیش میکنند که خصلت ملی ندارد.

این فکر در تمام انتشارات مائوئیستی به کرات نوشته شده که ما، بعنوان نمونه، انگلیس آنرا در یکی از نوشته‌های «دانشجویان پیشگام» میآوریم: «دوران انقلاب دمکراتیک ملی ایران بسر رسیده است و تنها انقلاب دمکراتیک توده‌ای در ایران میتواند انجام پذیرد.»^۵

کی و چگونه دوران انقلاب دمکراتیک ملی ایران بسر آمد، کی مبارزات ضد امپریالیستی پایان رسیده؛ موافق کدام تجربه ویا تئوری، پس از بسر آمدن انقلاب دمکراتیک ملی (بفرض که بسر آمده باشد)، نوبت به انقلاب دمکراتیک توده‌ای میرسد؛ گروهک های مائوئیستی باین پرسشها پاسخ نمیدهند. قرار هم نیست که پاسخ بدهند. هدف آنها پراکندن آشفته فکری و فرستادن جوانان ما آگاه بدنبال نخود سپاه است. آنان هر چه بتوانند آشفته فکری را تشدید می کنند. هدف آنها نفی خصلت ضد امپریالیستی جنبش و خرابکاری در جنبش انقلابی است. ولی برای اینکه در همین حال بهانه‌ای داشته باشند که خود را «مارکسیست - لنینیست» قلمداد کنند، و اینجاست که «دو تاکتیک» سوسیال دمکراسی در انقلاب روس، نقل قول میکنند و میکوشند چنین وانمود سازند که گویا درباره انقلاب ایران، باید عیناً همان نظور قضاوت کرد و همان آرایش نیروها را پذیرفت که در انقلاب اول روس (۱۹۰۷ - ۱۹۰۵). به این ترتیب مائوئیست‌ها به خود حق میدهند، ضمن تحریف ناچوانمردانه و خرابکارانه اندیشه‌های درخشان لنین، هويت مائوئیستی خود را پشت ماسک دروغین دفاع از لنین پنهان کنند. بنا به نوشته مائوئیست‌ها، آرایش نیروهای طبقاتی در انقلاب کنونی ایران چنین است:

«بجز حزب توده ایران و بقیه لیبرالها (بورژوازی متوسط) بقیه نیروهای موجود جامعه همه خواهان سرنگونی کامل رژیم هستند. ما به این نیروها میگوئیم دمکرات. دمکرات یعنی کسی که خواهان گاو بندگی و تباری با رژیم نیست و مصمم است که رژیم را سرنگون کند. نیروهای دمکرات جامعه قانون اساسی را قبول نمیکند. این نیروها عبارتند از: دهقانان و خرده بورژوازی شهر.»^۶

در این جمله هم، مانند هر جمله دیگر گروهکهای مائوئیستی، جای سالم وجود ندارد. از اعلام این ادعای مسخره که حزب توده ایران نمایند بورژوازی لیبرال است، تا بحث از یک حزب سیاسی در کنار طبقات و قشرهای اجتماعی.

اما نکته مهمتر اینجاست که گروهک مائوئیستی، نه فقط کلمه امپریالیسم و خصلت ضد امپریالیستی جنبش، بلکه اصولاً تاثیر لبرود ضد امپریالیستی را در آرایش قوای طبقاتی بطور کامل حذف کرده است. اولاً از طبقه بورژوا فقط از قشر متوسط آن سخن می گوید و تکلیف بورژوازی بزرگ و کوچک را معلوم نمیکند. ثانیاً بورژوازی متوسط را نیز نه از نقطه نظر مناسباتش با امپریالیسم - خصلت ملی وضد امپریالیستی - بلکه از نقطه نظر روشهایی که برای حل اختلافاتش با امپریالیسم برگزیده (لیبرال یا قاطع) بررسی میکند، ثالثاً اتحاد کارگران با دهقانان و خرده بورژوازی شهر را نیز اتحاد ضد امپریالیستی نمیداند، بلکه به اصطلاح دمکراتیک میداند، آنها هم با آن تعریف مبتذل که از کلمه دمکرات کرده است.

این آرایش قوا، علاوه بر تمام نقائص دیگر، در ظاهر بسیار چپ روانه مینماید، زیرا گروهک مائوئیست حتی بورژوازی متوسط را درست کنار گذاشته، میخواند. «جمهوری دمکراتیک خلق» تشکیل دهد، که عبارتست از حکومتی که بر اثر اتحاد کارگران، دهقانان و خرده بورژوازی شهر بوجود بیاید.^۷ ولی در واقع امر آقایان مائوئیست آنقدرها هم چپ رو نیستند. آنها به آسانی آماده‌اند که با بورژوازی لیبرال (ونه با بورژوازی ملی) کنار بیایند. نویسنده مائوئیست از خود میپرسد:

«حال باید ببینیم که در این میان سر نوشت بورژوازی متوسط (لیبرال) چه خواهد بود؟»^۸ و پاسخ می‌دهد:

«حال اینجا دو حالت پیش می‌آید. ممکن است بورژوازی لیبرال حاضر شود بطور جدی علیه رژیم مبارزه کند. آنوقت میتواند به صف خلق بپیوندد. ممکن است ... حاضر نشاند مبارزه جدی کند ... در این صورت هم چنان بعنوان خائن به خلق تلقی شده و در برابر خلق قرار خواهد گرفت.»^۹

چنانکه ملاحظه میکنید، آن عمارت و پورت ظاهری مائوئیستی، در عمل تسلیم طلبی از آب در می‌آید. آقای مائوئیستی که حاضر نیست بورژوازی ملی - ضد امپریالیست را در صفوف خلق بپذیرد، برای بورژوازی لیبرال - یعنی درست همان قشر بورژوازی که از ترس مردم بسوی سازش با ارتجاع مهرود - راه باز میکند، اهمیت این مطلب بیشتر می‌شود اگر توجه کنیم که گروهک «دهقانان و خرده بورژوازی» که در لای انگشتانش پنهان میکند.

ادامه دارد

- ۱- «مبارزات ملی و طبقاتی در ایران»، ص ۱۱ (تکیه از ماست)
- ۲- «چرا پیشاهنگان پرولتاریا بدامان ریویزیونیسم سقوط میکنند»، ص ۱۱
- ۳- «درباره جمهوری دمکراتیک خلق»، ص ۱۸
- ۴- جزوه «چرا پیشاهنگان...»، ص ۲۷ (تکیه از ماست)
- ۵- «تحلیلی کوتاه از وضعیت سیاسی - اجتماعی ایران»، گروهک «دهد» عمواوغلی، ص ۱۳
- ۶- پیرامون شمار «برقرار باد حاکمیت خلق»، سازمان دانشجویان پیشگام.
- ۷- «درباره جمهوری دمکراتیک خلق»، ص ۲۰
- ۸- همان نوشته ص ۲۱
- ۹- همان نوشته ص ۲۱ و ۲۲
- ۱۰- همان نوشته ص ۲۱ و ۲۲

کتاب تازه - افسانه‌های ایران

مخالف ضد کمونیستی چندین سال متوالی است که یک نفس فریاد می‌زند، «اتحاد شوروی طلاهای ایران را به مصدق پس نداد، نگاهداشت و به دولت کودتایی زاهدی داد»^۱ در این ادعا سرسوزنی حقیقت وجود ندارد. افسانه «طلاها» یکی از ساخته‌های تبلیغاتی دوران جنگ سرد است که محافل ارتجاعی و امپریالیستی برای اخلاص در مناسبات ایران و شوروی بکار انداختند. کتاب «افسانه طلاهای ایران» نوشته ف. م. جوانشیر، از انتشارات حزب توده ایران، که روز دوشنبه ۱۳ خرداد انتشار یافت، چگونگی پیدایش این افسانه و ماهیت آن را فاش میکند.

طرحی برای سرود من، برادر توام!

رزمها همان نبرد اولین ما
رزم ما همان نبرد آخرین ما است :
جنگ رنجبر بصد گنج پر .
جیبه را دگر مکن!

من به جیبه‌های آزموده میروم .
رنگهای تازه آمدست
نقش‌های تازه، نغمه‌های نو .
نویز پرواز تو شدی، دروغ
توسوی آنچه دل ز تو روده میروم
من بسوی آنچه دانش زمانه‌ام نموده،
میروم

می‌شناسم ام اگر تکه کنی
من، برادر توام !
راه کج مکن زین، ببرزه، روترش مکن
بازگردو بنگرم
من بسوی آنچه پوده، پاک بوده میروم .

میروی بخانه، فاتحانه، شادمان .
میروی به بسترای رفیق
میروی بخواب .
شب خوش
من بوعده‌گاه دیدگان ناغوده میروم .
هر کسی براد خویش میروم
من بره توده میروم .
فرهاد ره آور .

بقیه از صفحه ۱

امام خمینی ...

پائین هستند. اینها حقوق بشر را می‌دانند
(عمل می‌کنند.)
امام در دنباله حرف‌های خود چنین گفت:

«جمعیت زاغه نشینان اطراف شهرها که ۷ نفر و ۸ نفرشان در یک سواری زندگی میکنند، اینها حقوق بشر را بهتر تأمین و اینها جمعیت دلسوز برای بشر هستند. اینها جمعیت حقوق بشرند نه من و شما. بیایید برای اینها فکری بکنید.»

امام در بخشی از سخنان خود طبقات بالای اجتماع را صاحب هیچ حقی ندانست و خطاب به مردم گفت:

«از ۱۵ خرداد تا حالا شما خون داده‌اید. من که اینجا نشستام هم هیچ حقی ندارم. ماها هیچ حقی نداریم. ما باید برای شما خدمت کنیم. خاک برس من، خاک برس من اگر بخواهم استفاده عنوانی بکنم. طبقه‌های بالا، آنهائیکه هیچ فعالیت نداشته‌اند و مخالفت هم نمیکردند، حتی ندارند و نباید داشته باشند، لیکن اگر از حالا خدمت بکنند، صاحب حق میشوند و من مایوسم از اینکه آنان خدمت بکنند.»

امام در سخنان خود اعلام کرد که مخالفین میخواهند میوه زحمتی را که ملت کشیده‌اند بچینند و از همه ملت خواست باهم منجد شوند. امام گفت:

«برادران من از هر قشری که هستید هنوز وقت نگذشته است. وقت نوبه باقی است، بیاید برادروار با ملت در اینراه راهپیمائی کنید. یکی از شما هم داخل این جمعیت نیست. بیاید با این مردم همراهی و همصدا باشید.»

رقفا و دوستانی که در خارج از کشور اند، میتوانند کمک مالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند:
Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 0400 126 50
Dr. John Jakman

بقیه از صفحه ۱

امپریالیسم

عرب ساکن این منطقه است. صحبت بر سر دسایس امپریالیسم امریکا و انگلیس است. تنها قطع نشده، بلکه تشدید یافته و بسکلهای جدیدی در آمده است. صحبت بر سر فتنه انگیزیهای عمال ساواک است که با گستاخی و جاسارتی که ناشی از حمایت سیاهترین محافل امپریالیستی از آنهاست، بشدت ادامه دارد.

مسئله ای که در خوزستان می گذرد، باید توسط انقلاب ایران و بخاطر انقلاب ایران حل شود و گرنه دشمنان انقلاب و امپریالیستها از آن برضد خود انقلاب سواستفاده خواهند کرد و فتنه انگیزی خود را تا سرحدبهرام انداختن خونریزیهای وژد و خوردهای مداوم و بازکردن راه مداخله و تجاوز عمال امپریالیسم و سرانجام وارد کردن ضرب مستقیم به انقلاب ضد امپریالیستی ما، آنها در حواس ترین نقطه کشور، ادامه خواهند داد، پس واقماً و جداً باید بهوش بود.

«مردم» قبلاً نیز در این باره هشدار داده است و تا کنون نوین امپریالیسم در سوء استفاده از مسائل ملی و حق خلقها در تعیین سر نوشت خویش را بر ملا ساخته است.

در همین جریاناتی که خرمشهر و آبادان را با آتش و خون کشید، انگشت امپریالیسم و دست ساواکها و شیوخ مرتجع محلی و عناصر مشکوک در رهبری و تدارک و انجام آشوب بخوبی پیدا بود، این عوامل بودند که از حق طلمی کاملاً بیجا و راستین خلق عرب و از وضع بسیار ناهنجار و دشوار زندگی آنان نهایت سوء استفاده را کردند و دست به تحریک زدند. همین ها بودند که با تحریک احساسات افراطی در فارسها نمایان تا بجائی، که منجر به توهینها و سوء تفاهات شد، براه انداختند. همینها بودند که از دیون آن پیکان معروف تیرانداری کردند، و در واقع درست نظیر حادثه سندیج، بهر دو طرف تیر خالی کردند، تا دو طرف را بجان هم بیندازند. همینها آتش بیار امر کای شدند که میرفت منطقه حساس جنوب خوزستان را بکلی با آتش کشد. همینها بودند که با انواع تحریکات و تفتینها دائماً و بدون کمترین وقفه ای جلوی هر گونه پیشرفت در مذاکرت و حصول تفاهم را میگریفتند، و هر وقت کمترین موفقیتی در راه ایجاد آرامش بدست میآمد، با تحریک و توطئه مانع موفقیت نهائی مذاکره و تفاهم میشدند. همینها بودند که چاق و ساطور و فریاد عرب کشی و عجم کشی را چنانچه هر گونه صلاح اندیشی بسود آرامش کردند و کینه کور ملی گرائی و تعصب بی پایه و دشمن شادکن را چنانچه توجیه بمنافع عالی انقلاب ایران نمودند.

اینها را همه کس میشناسد، عوامل مستقیم امپریالیسم و صهیونیسم، ساواکها، زعمای مرتجع، بعضی شیوخ کورته بین و بالاخره گروهی چپ نمای فتنه افکن از نوع ماژوئیستها و تروتسکیستها، که مرتباً روغن بر روی آتش میپاشیدند و به ضد انقلابیترین اقدامات لباس انقلابی، میپوشاندند و خدمتگزاری عملی به امپریالیسم را خدمت به «خلق» جامی زدند. این همکاری بین چپ ناهای فتنه افکن ساواکها و مرتجعترین محافل بهرچوچه شکفا انگیزی نیست. این همکاری وسیع و همه جانبه باید چشمها را باز کند و عواقب چپ نمائیها را که در آخرین تحلیل از همان سر چشمه امپریالیستی و ضد انقلابی آب میخورد، بر همگان عیان سازد.

آری، مسئله بسیار حساس است و نمیتوان بسادگی از کنار آن گذشت و منافع انقلاب را سرری گرفت. چه باید کرد؟ باید بریشه ها و علل توجه کرد. باید در درجه اول زمین را زیر پای امپریالیسم چارو کرد و نگذاشت که هیچ بهانه و وسیله ای داشته باشد. و این ممکن نیست مگر با دو تدبیر عاجل و حتمی،

اول تأیید و برسمیت شناختن حقوق حقه ملی خلق عرب برای خود مختاری فرهنگی و اداری و مشارکت در تعیین مقدرات خود در چارچوب میهن واحد ما ایران و با احترام به تمامیت ارضی ایران بهمان گونه که بارها حزب ما اصول آنرا خاطر نشان ساخته و در طرح آیت الله طالقانی نیز آمده و مورد تأیید امام خمینی نیز قرار گرفته است.

ثانیاً انجام جدیترین و قاطعترین اقدامات برای ریشه کن کردن عوامل امپریالیسم و صهیونیسم و ساواکها، تا این خرابکاران و توطئه گران و فتنه انگیزان که بسیار هم فعال و سازمان یافته اند سرکوب نشوند همیشه خطر تجدید این وضع خطرناک و روشن شدن آتش وجود خواهد داشت.

فراموش نکنیم که تا همین یکماه قبل، سر تیپ ودیمی، رئیس ساواک خوزستان در محل بوده و فعالیت میکرده و بتازگی توسط شیوخ مرتجع فرار داده شده است. فراموش نکنیم که تمام اقداماتیکه در راه تفاهم و آرامش، چه توسط تیمساردانی و چه توسط آیت الله شیخ محمد طاهر آل شیرین خاقانی، انجام می شده است، همواره با کار شکنیها و تفتینها و حوادثه آفرینیهای ساواکها منجر به شکست میشده و بموقعیت نمی گزائیده است. پس باید پاکسازی واقعی و همه جانبه و کاملاً جدی خوزستان از عمال امپریالیسم و صهیونیسم و ساواکها انجام گیرد. هر گونه اعمال وسوسه در این زمینه، دشمنی با انقلاب و گذاشتن استخوان لای زخم است. اگر مسئولان امور باین دو نکته اساسی توجه کنند و مردم خوزستان، اعم از عجم و عرب، حدت و فعلیت این دو وظیفه اصلی را در یابند و در دام توطئه ها نیفتند، آنوقت میتوان امیدوار بود که آرامش قطعی در خوزستان برقرار و جلوی توطئه های امپریالیستی گرفته شود.

مردم عرب، مثل همه ملیتهای دیگر ساکن میهن ما حقد دارند به تساوی با سایر خلقها در همین خود ایران، با برخورداری از تمام حقوق و خودمختاریهاییکه شوراها و پیشنهادهای عرضه میدارد، زندگی کنند و در عین حال از زنجیر این قفسیه وضع بسیار اسفناکی که رژیم شاه مخلوع بر آنها تحمیل کرده بود بدر آید و از کار و مسکن، برق و آب دردها و بیماریها و مدارس در نقاط مختلف و سایر رفاهی برخوردار شوند و دوش بدوش و در برابر با سایر هم میهنان خود در سر بلندی زیست کنند. این حق آنهاست. باید زمینه تحریک امپریالیستی از زمین برده شود. باید ریشه ساواکها و عمال گوناگون امپریالیسم و صهیونیسم برکنده شود. باید در مقابل چپ ناهای نفاق افکن، که شدیدترین ضربه را بر نیروی واقعی چپ و ترقیخواه وارد می آورند، حشایری نشان داد باید بامسئولیت انقلابی و میهنی به مسئله حفظ تاسیسات نفتی، که تروت اصلی ملی ماست برخورد کرد و جلوی هر گونه تشبثی را که با لامل بسود امپریالیستهاست و ممکنست وقفه ای در کار و فعالیتها تولیدی نفت بوجود آورد و از این راه به انقلاب ما ضربه زند، گرفت. تنها در این صورت است که انقلاب بزرگ مردم ایران در این نبرد نیز پیروز و آرامش، بمعنای شکست نبرد انقلاب و تحکیم انقلاب، بمعنای پایان واقعی ماجرائی که امپریالیسم و ساواکها ساخته و پرداخته اند، حکمفرما خواهد شد.

قابل توجه رفقای کارگری

از رفقای کارگر عضو سابق حزب، که به آرمان خود وفادار مانده اند، ولی بعلل گوناگون تماس حزبی ندارند و همچنین رفقای کارگر تازه وارد خواهشمند است برای رسیدگی بوضع حزبی شان همه روزه (بنابر روزهای پنجشنبه و جمعه) از ساعت ۵ تا ۷ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران شنبه امور کارگری، مراجعه کنند.

بقیه از صفحه ۴

پانزده خرداد...

جمعیت با فریاد صحیح است، شعارها را تأیید کرد. آنکاه پیام ها خوانده شد.

مراسم ادامه داشت، اما صبحی پایان راه پیمایان همچنان از راه میرسید، هنگامیکه صفها به میدان میرسید، گروه اندکی که همراه صفوف حرکت میکردند، سعی میکردند با دادن شعارهای ضد کمونیستی. شعارهای مردم را تغییر دهند.

در مسیر راه پیمائی ها هم عناصری که مسلماً ساواکی ها، ماژوئیستها، تروتسکیستها و کارشناسان خرابکاری دشمن در بین آنها بودند، سعی میکردند شعارهای ضد کمونیستی را چنانچه شعارهای ضد آمریکائی کنند. این عناصر حتی می کوشیدند با تحریک مردم از طریق گفتن اینکه، کمونیستها در میان ما هستند، محتوای راه پیمائی را تغییر دهند. ولی مردم هشیارانه باین سم پاشیها مقابله کردند و بسایر روی نکردن از شمار های این عناصر، رسوایشان کردند. در جنوب میدان هم. چند اعلامیه ماژوئیستی پخش شد، که در آن به حزب توده ایران حمله شده بود. جوانی یکی از اعلامیهها را گرفت و سرگرم خواندن شد.

یک روحانی خود را به او رساند و اعلامیه را از جوان گرفت، آنرا خواند و بعد با خشم آنرا پاره کرد و گفت:

میخواهند بین ما جدائی بیندازند اینها کار ساواک است.

کسان دیگری هم به تبعیت از این روحانی، اعلامیهها را ریز ریز کردند و دور ریختند.

قطعه نامه
در پایان مراسم، قطعه نامه ای خوانده شد، که در آن از جمله آمده بود:

● ما رهبری قاطع، دقیق و هوشیارانه امام خمینی را بعنوان مؤثرترین عامل پیروزی انقلاب اسلامی سپاس می گزاریم و تمامی فرامین و رهنمودهای امام را بعنوان یک وظیفه شرعی لازم الاجرا میدانیم.

● ما توطئه های داخلی اعم از سیاسی، نظامی، فرهنگی، بخصوص توطئه های خرمشهر و سایر شهرهای خوزستان را بشدت محکوم می نمائیم و از دولت موقت جمهوری اسلامی میخواهیم که ضمن معرفی صریح و سریع مسببین و عاملین این جنایات و خبیاتها، با شدت هر چه بیشتر توطئهها را در هر نقطه کشور در نظنه خفه نماید.

● چپاولگران جهانی بخصوص آمریکا بدانند که توطئه های بیشترمانه آنها و تبلیغات مغرضانه شان علیه نهادهای انقلابی، ما را بیش از پیش در حراست از دستاوردهای انقلاب اسلامی خویش استوارتر و کوشاتر خواهد ساخت.

● ما ترورهای خائنانانه شخصیتهای مجاهد و مبارز را بشدت محکوم نموده از مسئولین امور می-خواهیم هر چه زودتر نتیجه تحقیقات و بررسی های خویش را به آگاهی ملت برسانند.

● ما از دولت موقت جمهوری اسلامی میخواهیم که با قاطعیت بیشتر رهنمودهای امام را بکار بسته و هر چه زودتر ترتیب انتشار متن قانون اساسی و تشکیل مجلس بررسی آن و رفتارندوم را بدهد و پاکسازی و تصفیه ادارات و موسسات دولتی را با جدیت دنبال نماید.

● با حمایت از احکام دادگاههای انقلاب اسلامی از دادستان انقلاب

بقیه از صفحه ۶

قابوس از که...

کننده نفت برای احراز مالکیت کامل و بلا مراض خود بر منابع ثروتهای نفتی خویش، که دهها سال تحت تصرف غاصبانه و غارتگرانه امپریالیستهای نفتخوار بوده است، سلطان قابوس ابن سعید، این همپالکی شاه خائن مخلوع و این مزدور هست امپریالیسم، در مصاحبه ای با نشریه تایم آمریکا، اربابان یانکی خود را به مداخله در خلیج فارس فرا خوانده است. بی تردید، تقارن قدرت نمایی دریایی آمریکا در منطقه، وجود شایعات بر اعزام صد هزار سرباز آمریکائی به خاور میانه، اعلام محکومیت ایران در سنای آمریکا، استقرار هفت هزار سرباز مصری و صد ها سرباز انگلیسی در عمان، با بیان این مطلب از طرف سلطان قابوس این سعید تصادفی نیست. بی گمان اینها همه اجزاء مختلف توطئه ای واحد است که از طرف امپریالیسم علیه جنبشهای استقلال طلبانه ملت های خاور میانه، بویژه قیام ضد امپریالیستی خلق ما، آمریکا و اسرائیل از سادات و سادات بگفته احمد الفانی، رهبر جنبه خلق برای آزادی عمان با استقرار هفت هزار سرباز مصری در آن سلطان نشین، از قابوس پشتیبانی می کنند.

احمد الفانی در مصاحبه ای با خبرگزاری فرانسه که از طرف خبرگزاری تاس نقل شد، اعلام کرد که نیروهای مصری، که چنانچه نیروهای رژیم سابق ایران در عمان شده اند، به دستور شخص انور سادات، به این سلطان نشین رفته اند. رهبر جنبه خلق برای آزادی عمان همچنین اعلام کرد که قابوس تصمیم گرفته است که در خاک عمان یک پایگاه مهم استراتژیک در اختیار آمریکا بگذارد. وی تصریح کرد که وجود این پایگاه در خلیج فارس، کشورهای عرب، بالخصوص کشورهای منطقه خلیج فارس را مستقیماً تهدید می کند.

خبرگزاری تاس همچنین در گزارشی دیگر از نیویورک اعلام کرد که محافل امپریالیستی اخیراً به نقش عمان بعنوان «پاسدار» تنگه هرمز توجه بسیار مطلق داشته اند. خبرگزاری شوروی سپس به مجله تایم استناد کرد که نوشته است «با استقرار یک فرود تریپ یا یک موشک انداز در خاک عمان، عبور محموله های نفتی را از تنگه هرمز می توان زیر نظارت کامل قرار داد».

تاس همچنین نوشت، «۶۶۵ افسر انگلیسی به فرماندهی یک سرهنگ این کشور در ارتش عمان خدمت می کنند، و خلیفانان نیروی هوائی آن همه انگلیسی هستند».

لکن چه نیکو استنتاج کرد خبرگزاری تاس که «موقع سلطان عمان، که از مردم خود وحشت دارد چنان است که گویی بر بومی ساعت شمار نشسته است و همانطور که مورد ایران و «محمد رضا» نشان داد در برابر خطر محکومیت این دیکتاتورها از طرف مردم، پشتیبانیهای آن سوی اقیانوس گرگشا نتواند بود».

باتوجه به توطئه هایی که از بیرون جنبش انقلابی ما دستاوردهای گرانهای آن را تهدید می کند، تذکراتی نکته را لازم میدانیم که فشرده گی صفوف جنبه خلقی ما و وحدت عمل احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی و شخصیت های مسؤول کشور ما، پاسخگو و دافع هر گونه دسیسه، توطئه و تهدیدی از بیرون و درون تواند بود.

میخواهیم که نسبت به دستگیری و تعقیب خائنان و عوامل ضد انقلاب و دزدان مسلح عاجلا اقدام نماید.

● ملت ما هشیارانه ارتباط بین توطئه حقوق بشر سنای آمریکا و جرایم خارجی و هیاهوهای شبه ناسیونالیستی و دموکرات ما یانه را شناخته و چهره های واقعی را از پشت هر نقاب تشخیص میدهد و با آنها بشدت مبارزه می نماید.

بقیه از صفحه ۴

«مردم» و مردم...

نامه مفصلی در هشت صفحه از خواننده مردم ا.ع. دریافت کرده ایم. دوست ما مسائل مهمی را در رابطه با اصول تشکیلاتی و چگونگی همکاری رفقای قدیمی مطرح میکند، که چه بطور کلی و چه بطور مشخص، در مدنظر هست. بعبارت دیگر نکات و مطالبی که دوست ما تذکر میدهند، درست است و باید در گزینش اعضا و کادرها البته دقت کافی را مبذول داشت. نکات مشخص دیگری که شما نوشته اید، مورد ملاحظه قرار خواهد گرفت.

نامه مفصل نه صفحه ای دیگری از اسمعیل رسیده است که مینویسد، در سایه تجارب تلخ و شیرین گذشته امیدوارم در طلمیه نوید بخش بامداد روشن، اولین بهار آزادی، برای حزب طراز نوین ما نقطه عطف در حیات سیاسی باشد.

دوست عزیز، تحلیل شما درباره وقایع گذشته و مطالبی که نوشته اید بویژه بروزشنامه نمیشود، در اختیار رفقای ذیصلاحیت نهاده شد.

دوستی که یادداشت خود را با کلمه «یک رفیق» امضاء کرده اید، پیشنهاد شما درباره صندوق جمع آوری کمک درست است. عملی شد.

دوست گرامی ع.س. پاسخها ببرخی پرسشها و بخش از تاریخ پیامیزیم و بحث های لازم با نظریات سایر رفوها، در صفحات «مردم» آمده و خواهد آمد. درباره امیدوار و شرایط حضور و غیره، ما اطلاعی نداریم. قاعدتاً باید ادارات چهارگونی دولت و آژانسهای مسافرتی یا سازمان تربیت بدنی، اطلاعاتی در مورد آنچه شما خواسته اید، داشته باشند. موفق باشید.

بقیه از صفحه ۴

تضاد عمده...

گذاشته اند و روند انقلاب نیز آنرا تشدید میکنند و اقدامات خرابکارانه عمال و جاسوسان امپریالیسم از یکسو و برخی ناپیگیریها و نندانه کاریهای دستگاه حاکم بر وحدت آن میافزاید، برای بی اعتبار کردن انقلاب و سرکوب آن استفاده کند.

عوامل عینی دیگری نیز وجود دارد که مبارزه ضد امپریالیستی را برچسته تر میسازد. آن عوامل چنین است: امپریالیسم هنوز پایه های نسبتاً نیرومندی در اقتصاد و سایر شئون اجتماعی کشور دارد، ایران در شرایط کنونی، سالهای سدید در عرصه بازار جهانی امپریالیسم باقی خواهد ماند، امپریالیسم برای ادامه تسلط خود از توانایی اقتصادی و مالی و نظامی بمراپ بیشتر از ایران برخوردار است و قدرت مانور بیشتری در اختیار دارد، امپریالیسم برای مبارزه دارای تجربه بیشتری است و اربابان حیله و نیرنگ و دسایس آن هنوز خالی نشده است.

در این شرایط، مبارزه در راه آزادی، آنهم آزادی بطنای محدود آن، یعنی آزادی بیان و قلم را برچسته کردن و دشمن اصلی، یعنی امپریالیسم را در سایه گذاشتن، کاری نادرست و دور از خردمندی است. بخصوص از این لحاظ که در شرایط مشخص کنونی، احیاء خود بخود دیکتاتوری، بر پایه عوامل صرفاً داخلی، خطر عمده نیست، اما دیکتاتوری متکی بر امپریالیسم خارجی، بعلت همین اتکاء خطر جدی تری را در بر دارد.

بنام اینها این واقیعت را نیز باید اضافه کرد که نیروهای سازشکار لیبرال برای تبلیغات مغرب، شایعه پراکنی و دروغ پردازی و براه انداختن یک جنگ روانی بمنظور تضعیف انقلاب، و ایجاد نفاق میان نیروهای انقلابی نیاز بیشتری به آزادی، مطلوب خود دارند و امپریالیسم نیز در این کار با نیروهای سازشکار همراهی وهم آواز است.

حق بار رئیس ستاد است

تیمسار سرلشکر فرید، رئیس ستاد کل ارتش جمهوری اسلامی ایران، طی بیاناتی که ۱۲ خرداد در جمع پرسنل ارتش در پادگان لویزان ایراد داشت، به مطلب بسیار مهم و بسیار جالب توجهی اشاره کرد. وی گفت: «هنوز بما رسماً ننگفته‌اند که ما غیر متعهد هستیم، این فقط استنباط هست، هنوز برای ما چیزی در سیاست خارجی دولت روشن نیست.»

گفته رئیس ستاد واقعیتی است نه فقط اسفناک، بلکه مایه نگرانی جدی. نگرانی نسبت به دو مسئله، که هر دو برای انقلاب ایران و آینده آن حیاتی هستند و عبارتند از: اولاً اساس و سنسنگری سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران و ثانیاً اساس و سمت و مسیر نو-سازی ارتش.

در خدمت منافع امپریالیسم قرار گیرد؛ لذا دچار تردید، تعلل، تسامح، و تناقض شده، «فاروشن» جلوه میکند.

چه دلیل دیگری میتوان برای توجیه این پدیده عجیب آورد که هنوز قرارداد دوحانبه نظامی با آمریکا لغو نشده است؟ آیا با بقاء چنین قرارداد اسارت آور سیاسی- نظامی، اعلام «قصده» دولت، که میخواهد سیاست عدم تمهید در پیش گیرد، میتواند «فاروشن» نباشد؟

قریب یکماه پیش، خبرگزاری اطلاق دادند که ایران و جمهوری دموکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی) موافقت کرده‌اند که بایکدیگر روابط دیپلماتیک برقرار کنند، ولی تاکنون به آرای این روابط دیپلماتیک دچار تعلیق است. تجدید روابط دیپلماتیک با کوبا، که میزبان کنفرانس نوپتی کشورهای «غیرتمهید» است نیز همچنان معلق است. بهمین گونه رابطه با جمهوری لیبی نامعلوم است. اینها و پدیده‌های دیگری که میتوان بر آنها افزود، نشان میدهند که میانی سیاست خارجی دولت تدوین نشده، «یا اگر شده، سنسنگری آن عدم تمهید مثبت و فعال» در جهت دفاع از استقلال و مصالح ایران در مقابل پنا امپریالیسم مشخص نشده است. و چون این میانی تدوین نشده است. و این سنسنگری مشخص نگردیده، طبعاً رئیس ستاد نیز نمیتواند سیاست خارجی دولت را روشن بینداند و نمیتواند بر میانی سیاستی ناروشن به نو-سازی ارتش در جهت تعدیل آن بیک

درباره مسئله نخستین باید گفت: اینکه برای مقامی نظیر ریاست ستاد کل ارتش «چیزی در سیاست خارجی دولت روشن نیست»، بدلیل اینستکه بهیچوجه بگوئیم سیاست خارجی دولت بر میانی دفاع از استقلال کامل ایران در برابر امپریالیسم پس ریزی نشده، سنسنگری آن قاطعانه ضد امپریالیستی نیست.

انقلاب ایران، از لحاظ محتوا و هدف خود ضد امپریالیستی است و سیاست خارجی دولت، بتواند ادامه سیاست داخلی در عرصه بین المللی میبایستی ضد امپریالیستی باشد. چون متأسفانه این سیاست خارجی دارای قاطعیت ضد امپریالیستی نیست و نیز نمیتواند مانند گذشته

انقلاب توفان گونه مردم ما که ضرباتی سهمگین بر ریشه استعمار و استثمار افکار تکرانه امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، وارد آورد، طبعاً میبایست دشمنانی در میان امپریالیست‌ها و اعمال ایادی آنها در منطقه داشته باشد. خوان ینمایی که همه جهان خوران آزمد و عمل آنها در لقمه‌های چرب نفت و سایر منابع سودزای آن به حساب مردمی، فقیر گرسنه و محروم سهم‌های کلان می‌برند، بر چیده شد و تا حدی موجبات قطع این افکار تکررها فراهم آمد.

سردمداران آن دسته از مقامات ارتجاعی وابسته به امپریالیسم در منطقه، که به دستور اربابان ماوراء بحار میبایست به اشکالی گوناگون - چه به صورت دریافت وام‌های چند صد میلیون دلاری و چه به

ارتش مستقل و مردمی، ملی و دموکراتیک بپردازد. چرا که او نیز در تدوین میانی این نوسازی و سنسنگری آن «فاروشن» است. و این دومین مسئله مهم حیاتی برای سر نوشت انقلاب ایران است.

رئیس ستاد بدرستی میگوید که وظیفه ارتش باید دفاع از مرزهای کشور باشد، یعنی ملی باشد و ارتش باید خلقی و مردمی یا دموکراتیک باشد، یعنی با مردم و همراه مردم از دستاوردهای انقلاب دفاع کند، در خدمت پیشرفت انقلاب باشد.

ولی تحول ارتش به ارتشی ملی و دموکراتیک، فقط زمانی ممکن میگردد که سیاست دولت از موضع استقلال کامل کشور، دفاع از استقلال و مصالح کشور در برابر سلطه ظلم امپریالیسم «روشن» و قاطع باشد؛ زیرا ارتش، علی‌القاعده، ابزاری است در دست دولت برای اجرای سیاست دولت.

انقلابی بودن، نه تنها یک شیوه اندیشه، بلکه همچنین یک شیوه عمل است

برخی از انقلابیون تصور می‌کنند که اگر جهان بینی و مشی انقلابی را بپذیرند و بان ایمان آرند و در راه آن مبارزه کنند، دیگر نقضی از جهت انقلابی بودن ندارند.

در واقع هم ایمان به اصول جهان بینی انقلابی طبقه کارگر و عمل به آن، شروط اساسی برای انقلابی بودن است. ولی این سؤال پیش می‌آید: «عمل بچه شیوه»

انسان) میتواند مجاز شمرده شود. ولی آیا برای کسانی که خواستار ایجاد یک نظام انسانی و عادلانه هستند، میتواند چنین شیوه آورده و ناپسندی مجاز شمرده شود؟

یا مثلاً سوداگری بزرگ بورژوازی اسلوب خود را بنام «پراگماتیسم» بچود آورد که شاید بتوان آنرا «عمل گرائی» یا «مصلحت گرائی» ترجمه کرد.

موافق این اسلوب، اساس آنست که اسلوب کار شما ثمر بخش و کارا باشد. کارائی- ملاک صحت عمل است و نه انطباق آن عمل با موازین شرف و وجدان انسانی.

شیوه یا سبک در عمل، مانند منطق در تفکر و ذوق در امور هنری، دارای اهمیت فوق العاده است. اگر شیوه عمل فرد انقلابی ناشی از جهان بینی انقلابی او نباشد، بلکه ناشی از سیستمهای دیگر تفکر غیر انقلابی و غیر پرولتری باشد، نقائص شگفتی در کار پدید می‌آید.

مثلاً دیپلماسی بورژوازی موافق شیوه «هدفها» توجیه کننده و وسایل اند، عمل می‌کند. یعنی همینکه شما به صحت هدف خود باور داشتید، دیگر مهم نیست که برای نیل بدان هدف، چه شیوه‌ها و وسایلی را بکار خواهید برد. در عرف سیاسی، این شیوه عمل را «ماکیاولیسم» مینامند مطابق اسلوب ماکیاولیستی عمل، همه چیز برای نیل به هدف مجاز است: دروغ، فریب، توطئه، قسوت، نقض موازین وجدانی و اخلاقی تا حد ایجاد مقسدهای خونین - همه و همه چیز روا است، برای آنکه شما به هدف خود برسید!

آیا ما توده‌ها میبایست با شیوه ماکیاولیستی عمل موافقم؟ نه! ابتدا! مارکس صریحاً می‌گوید: به هدف‌های شریف، تنها بکمک وسایلی شریف میتوان رسید. شیوه ماکیاولیستی عمل برای بورژوازی، که هدفش غیر شریف است (بهره کشی

مستقدم، عمل باید ثمر بخش، نتیجه رس و پرحاصل باشد. تلاش عبث و رفع تکالیف نباشد. ولی آیا میتوان کارائی را با موازین انسانی و حزبی صحیح جور ساخت؟ آری میتوان! ولی برای اینکار باید عنایت، دقت و توجه بکار برد، یعنی از ساده‌ترین راه نرفت، بلکه کوشید تا آنچه شیوه عملی بدست آید که هم کارا باشد، هم موافق موازین اخلاق و شرف و وجدان انقلابی.

برخی‌ها می‌گویند: «موازین اخلاق انقلابی» - حرف انتزاعی و مجردی است. هر چیز که به کار انقلابی سود برساند، خوب است؛ اگرچه «اخلاق موضوعه» یعنی قوانین متداوله اخلاق آنرا رد کنند و بد بدانند. برعکس، هر چیز که نتواند بکار سود رساند، بد است. اگرچه «اخلاق موضوعه» آنرا قبیح کند. این طرز قضاوت، که برخی بازمین- کرایان (مانند فیلسوف مرتد فرانسوی رژه کارودی)، روی آن اصرار داشتند و اسلوب خود را «اخلاق واضح» نام

می‌نهادند، خطاست. در اخلاق انقلابی اصولی وجود دارد که باید مراعات شود. مانند انسان گرائی انقلابی، اصولیت انقلابی، انطباق کردار و گفتار، صداقت انقلابی، فداکاری و نزاکت و ادب و غیره و غیره.

یک انقلابی تا موافق این موازین عمل نکند، قادر نخواهد بود اعتبار اجتماعی کسب کند و مورد اعتماد قرار گیرد، و یک انقلابی تنها زمانی که مورد اعتماد قرار گیرد، قادر است دارای وسیع ترین نفوذ در محیط خود شود و کارائی عمل مبارزه‌ای خود را ده چندان کند.

اگر فردی مدعی تفکر و فعالیت انقلابی باشد، ولی از خود، خودخواهی، حسابگری، مقام پرستی، «زیر کیسهای» دیپلماتیک، محافظه کاری، انکار واقعیات، توجیه اشتباهات، بی ادبی و بی نزاکتی، جدل و سفسطه و غیره نشان دهد، این فرد عملاً به پیشرفت روند انقلاب زیان جدی میرساند، و علی‌رغم تصور ذهن خودش - که یک انقلابی است - یک انقلابی نیست.

نه فقط انقلابی بودن، بلکه بقول گورکی، «انسان بودن وظیفه عظیمی است.»

یک انقلابی نه تنها باید از آگاهی سیاسی و لیاقت و تدبیر سیاسی بهره‌مند شود، بلکه در عین حال باید انسانی شریف و بشردوست و با وجدان باشد و اعتماد و محبت محیط را جلب کند. ذکر این سخنان روی صفحه کاغذ جور است، ولی در زندگی عملی ناسور، همت و قدرت نفسانی بزرگی لازم است تا شخص بر ذهنیات ناسالم خود غلبه کند و به بازپروری خویش موفق شود.

جامعه غالباً ما را چنانکه باید نپرورده است. همه ما به بازپروری انقلابی خود نیازمندیم تا آگاهی، لیاقت و شرف و وجدان را بعد ضرور کسب کنیم.

جامعه ایران بچنین نسلی از انقلابیون نیاز بی حد دارد: به نسلی از انقلابیون طراز نوین، که در سطح لازم دانائی، کوشائی و شرف انقلابی هستند.

قابوس از که الهام می گیرد و سرخ توطئه‌ها کجاست؟

شکل کم‌های گوناگون نظامی- از منابع مالی و انسانی ما تنذیه می‌شدند و اینست از آن بی نصیب مانده‌اند، همه اینک دست اندر کار تحریک و تحریب علیه جنبش انقلابی مردم ما شده‌اند.

آنچه ناگفته و نامنوده می‌باشد سر نیخ این تحریکات است که در واشنگتن توان دیدش، آنجا که امپریالیسم یانکی و صهیونیسم در سوک باخته‌های کمر شکن اقتصادی و استراتژیک خود در قلب خاور میانه - ایران - نشسته‌اند.

بنا بر این می‌بایست انتظار داشت که در منطقه تلاشها و تحریکات مذبحانه‌ای از طرف نوچه‌ها و کوچک ابدال‌های امپریالیسم و صهیونیسم نیز علیه جنبش انقلابی مردم ما بعمل آید.

یکی از این نوچه‌ها و کوچک ابدال‌ها

سلطان قابوس است که با پدربندی و تانکه بر سر نیزه آنکلس امتحان جنایت و خیانت را تماماً آغاز کرد. وی در هنگامی که خلقهای عرب و فلسطینیها برای استرداد سرزمینها و حقوق منسوب خود و برای تحصیل استقلال لگد مال شده خود به با خواسته‌اند و باید بوش از پیش بر اتحاد و یکپارچگی همه نیروهای عرب و فلسطینی متکی باشند، «بهودا» وار خلقهای عرب و فلسطین را به دشمن می‌فرشد.

درست در هنگامی که ناوگان امریکا، بتبعیت از سیاست سنتی امپریالیستی «کشتیهای توپدار»، در آبهای مجاور کانوهای جنبش استقلال طلبانه خاور میانه مانور و قدرت نمایی می‌کند، دقیقاً همزمان با مجاهدات ملت‌های صادر بقیه در صفحه ۵

یادرفیق عزیز یوسفی گرامی باد

شرایط دشوار زندان ابتدا او را به عوارض قلبی و ریوی مبتلا کرد و بی- اعتنایی دژخیمان شاه مخلوع، این بیماری را چنان دراو ریشه دار کرد که در ۵۱ سالگی چشم های رفیق قهرمان ما را بر جهان بست.

رفیق عزیز یوسفی در زندان‌های شاه خائن، مظهر وفاداری به آرمان های خلق و حرب ما بود. او همیشه می‌گفت: «ما هزاران نفر بودیم. هزاران نفر از ما ششید شدند یادر زندان‌ها پوسیدند. هزاران نفر از ما به میدان مبارزه پشت کردند. هزاران نفر در نیمه راه ماندند. اما هنوز هزاران نفریم، حزبی با این همه ششید و تاریخ و ماجرا، با این همه سخت جانی و نیروی حیات و مقاومت، نمی‌تواند بیروز نشود. اگر همه جهان دروغ باشد، این حقیقت دروغ و افسانه نیست ..»

۱۵ خرداد، یک سال از خاموشی رفیق عزیز یوسفی گذشت. سال پیش، در چنین روزی، رفیق یوسفی، که ۱۴ ماه بیشتر نبود از زندان شاه آزاد شده بود، ناگهان در تهران درگذشت. یک او، این قهرمان توده‌ای، که ۱۸ سال از زندانی به زندانی دیگر تبعید شد و ۱۸ سال استوار و دلآور، و قادر به آرمان های حزب ما و زحمتکشان ایران در زندان ها با رژیم شاه رژیمد، آخرین مدیه نظام آریامبری به او بود.



رفیق فقید عزیز یوسفی

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

هموطنان! رفقا و دوستان! حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، پس از سی سال مبارزه در شرایط دشوار مخفی، فعالیت علنی و قانونی خود را آغاز کرده است. لازم به تاکید نیست که اکنون وظایف سنگینی در مبارزه به خاطر تحکیم دستاوردهای انقلاب و نوسازی جامعه ما در برابر حزب قرار دارد. انجام این وظایف از جمله به قدرت مالی حزب وابسته است. لذا کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است. فداکاری- های اعضا، هواداران و دوستان حزب در این زمینه در گذشته غرور انگیز است. اکنون نیز ما مطمئن داریم که اعضا، هواداران، دوستان و همه کسانی که به پیروزی نهائی و قطعی انقلاب ایران صادقانه علاقه‌مندند، به حزب طبقه کارگر ایران یاری خواهند رساند.

کمک مالی را می‌توان مستقیماً به دفتر حزب داد و یا با تلفن ۹۴۵۷۲۸، ۹۴۳۴۵۹ - آمادگی خود را اعلام داشت. از طرف دفتر حزب ترتیب دریافت کمک داده خواهد شد. علاوه بر این علاقه‌مندان می‌توانند کمک مالی خود را به حساب بانکی زیرین بپردازند:

حساب بانکی به نام قی کی‌منش و به شماره ۳۴۳۴، شعبه ۶۱۸ بانک ملی ایران، (شعبه شاه اسماعیل صفوی)، خیابان شهید دکتر حسین قاضی (ایران نوین سابق).

بر قرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق